

مناظره هومیوپاتی: بخش نخست

متن زیر مجموعه بحث‌های پیرامون هومیوپاتی میباشد که در نشریه سپید به چاپ رسیده بود.

تنظیم برای انتشار دیجیتالی از سایت انجمن هومیوپاتی ایران میباشد.

[Http://Homeopathyiran.Org](http://Homeopathyiran.Org)

۱

چندی پیش نویسنده ستون اخلاق پزشکی نشریه سپید آقای دکتر کیارش آرامش طی مقاله ای بنام " اخلاق و سردرد خاله مهری " مواردی در خصوص طب مکمل و آلترناتیو بیان نمودند که با پاسخ آقای دکتر علیرضا طلوع بهبود همراه شد و نهایتاً مناظره هومیوپاتی در نشریه سپید آغاز گردید که در حال حاضر نیز ادامه دارد نظر به اهمیت موضوع این مقالات به ترتیب چاپ آنها در نشریه سپید (متعلق به موسسه فرهنگی ابن سینای بزرگ) که از خرداد ۹۰ آغاز گردید و آخرین مقاله در تاریخ بیست و دوم دی ماه ۹۰ به چاپ رسید ارائه میگردد (لازم به ذکر است بخشهایی از مقالات آقای دکتر طلوع بهبود در تاریخ های پانزدهم و بیست و دوم دی ماه سال نود - شماره های ۲۸۵ و ۲۸۶ نشریه - احتمالاً بدلیل کمبود فضای نشریه حذف شده بود که در این مقال بصورت کامل ارائه میگردد):

نویسنده: دکتر کیارش آرامش /متخصص پزشکی اجتماعی، استادیار مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخ پزشکی

اخلاق و سردرد خاله مهری

در میهمانی نشسته‌ایم. میهمانی که چه عرض کنم. حالا دیگر باید اسمش را گذاشت میدان جنگ! ماجرا از آنجا شروع می‌شود که خاله مهری رو به خواهرزاده‌اش می‌کند و می‌گوید: «سارا جون! نمی‌دونم چرا سرم درد می‌کنه! می‌شه دو تا استامینوفن به من بدی؟» هنوز حرف خاله مهری تمام نشده که دایی مهدی با صدای بلند درمی‌آید که: «ای آقا! این استامینوفن‌های ایرونی که همش گچه! بیا خواهر جون! بیا بهت تاینلول بدم که همون استامینوفنه اما خارجیش مثل آب بر آتیش سردرد تو خوب می‌کنه.»

اما سارا که دانشجوی ترم اول داروسازی است، با اعتراض می‌گوید: «چه حرف‌ها می‌زنین دایی مهدی‌ها! استامینوفن همون استامینوفنه دیگه، داخلی و خارجی نداره که! با این حرف‌های شماست که صنعت داروسازی کشور پیشرفت نمی‌کنه.» دایی مهدی که صورتش - البته آن بخشی از آن که در بالا و پایین سیبیل‌ها معلوم است - حسابی سرخ شده، اعتراض یک الف بچه را که تا همین چند سال پیش نی‌ناش‌نای می‌گذاشتند و او با پوشک‌کش بلند می‌شد و می‌رقصید و ۱۰ بار هم زمین می‌خورد، تاب نمی‌آورد و با خنده می‌گوید: «آخه خانوم کوچولو. دایی اون صنعت داروسازیت رو بخوره! وقتی صدتاشو می‌خوری و خوب که نمی‌شی هیچی، دل درد هم می‌گیری، دیگه معلومه که فرقتش با خارجی چیه دیگه.»

سارالب ورمی‌چیند و جواب نمی‌دهد. در همین فرصت شمسی خانوم درمی‌آید که: «اصلا این داروهای شیمیایی رو ول کنید. به قول استاد بلازاده اینها همه استعماریند و غربی‌ها ساخته‌اند تا ما را چیز خور کنند. همین الان براتون دم کرده گل‌گاو زبان با سنبل‌الطیب می‌آورم که هم دردتان خوب شود و هم قلبتان آرام شود و هم...» حرف شمسی خانوم با اعتراض آقا رشید، شوهرش، قطع می‌شود که: «بس کن زن! همون دواي قبلي که از این بلازاده گرفتی و به خورد ما دادی تا شب جمعه‌ها حوصله‌مان از بیکاری سر نرود، کافی نبود؟ نه تنها بهتر نشدم که حبس بول هم گرفتم.»

همه می‌خندند و شمسی خانوم با ناراحتی سیلی محکمی به گوش شوهرش می‌زند. در همین فرصت، شادی خانوم که لباسش مثل تابلوی خطاطی است و همیشه در خلسه نیمه‌عارفانه و نیمه‌ابله‌انه به سرمی‌برد، درمی‌آید که: «به نظر من راه درمان سردرد، فقط انرژی درمانیه و هومیوپاتی که انرژی حیاتی رو با رفتارهای کیهانی...» شادی خانوم نمی‌تواند حرفش را تموم کند، چون مجلس به واسطه دعوی حضار به هم ریخته است. من اما همه‌اش به این فکر می‌کنم که وقتی تنها سخنگویان در مورد داروها یا شرکت‌ها و صاحبان صنایع یا منابع دولتی یا مدعیان شارلاتان درمان‌های آلترناتیو هستند و نهاد صنفی مستقلی از پزشکان که مورد اعتماد مردم باشد وجود ندارد، این جو بی‌اخلاقی و بی‌اعتمادی ادامه خواهد داشت.

اخلاق و رویه پرتیراژترین نشریه جامعه پزشکی

مدیر مسوول محترم نشریه سپید؛

احتراما بدین وسیله مقاله «اخلاق و رویه پرتیراژترین نشریه جامعه پزشکی در پاسخ به مقاله توهین آمیز «اخلاق و سردرد خاله مهری» ارسال می‌شود. مقتضی است مطابق قانون مطبوعات پاسخ در اولین شماره نشریه درج شود.

با احترام

دکتر علیرضا طلوع بهبود*

۳

درج مقاله «اخلاق و سردرد خاله مهری» نوشته آقای دکتر کیارش آرامش (مختص پزشکی اجتماعی و استادیار اخلاق و تاریخ پزشکی) به تاریخ ۹۰/۳/۱۲ در نشریه سپید بسیار بهت آور بود. از آن رو که نگارنده در ستونی ثابت تحت عنوان اخلاق پزشکی با طرح داستانی خانوادگی، ابتدا به تمسخر استفاده از داروهای طب سنتی ایران پرداخته، سپس با توهین به فردی که طب هومیوپاتی را جهت درمان سردرد پیشنهاد می‌کند، می‌پردازد (تحت عنوان کسی که همیشه در جلسه نیمه‌عارفانه و نیمه‌ابله‌فانه به سر می‌برد) و نهایتاً دشنام به درمانگران رشته‌های طب مکمل و جایگزین را پیشه می‌کند (با عنوان «مدعیان شارلاتان درمان‌های آلترناتیو») و البته در عین حال از ادامه «جو بی‌اخلاقی و بی‌اعتمادی» گلایه می‌نماید! بهت و حیرت از اینکه در ستون اخلاق پزشکی نشریه سپید طب سنتی ابن سینا به مسخره گرفته می‌شود و درمانگران رشته‌های طب آلترناتیو شارلاتان خوانده می‌شوند! و البته همه این فرمایشات توسط «استادیار محترم اخلاق» و در ستون «اخلاق پزشکی» نگاشته شده است!

قضاوت را به خوانندگان می‌سپاریم؛

در خوش‌بینانه‌ترین وضعیت شاید بتوان فرض کرد نگارنده محترم مقاله در خصوص واقعیت‌های ذیل درباره طب سنتی و مکمل و جایگزین اطلاعات کافی نداشته‌اند:

استقبال مردم از رشته‌های طب مکمل و جایگزین براساس آمار سازمان بهداشت جهانی روند فزاینده و رو به رشدی دارد و این امر خصوصا در کشورهای توسعه‌یافته چشمگیرتر است، به‌طوری که در

۴۱ کشور اروپایی در حال حاضر رسماً طب هومیوپاتی مورد استفاده قرار می‌گیرد و تنها در سال ۱۹۹۲، ۵ میلیون و چهارصد هزار نفر به پزشکان هومیوپات در کشور آلمان مراجعه کرده‌اند.

سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۰۲ استراتژی جامع خود را در خصوص طب سنتی مکمل و آلترناتیو ارائه نمود که مهم‌ترین سیاست‌های آن عبارتند از: نظام‌مند کردن طب سنتی و مکمل، افزایش دسترسی مردم به آن، ترویج استفاده صحیح از آن، جمع‌آوری اطلاعات و صیانت از آثار و منابع علمی آن و نهایتاً ادغام طب سنتی و مکمل هر منطقه با سیستم بهداشتی و درمانی طب رایج. در همین راستا در حال حاضر ۱۹ مرکز تحت عنوان «مراکز همکاری طب سنتی سازمان بهداشت جهانی» در سراسر دنیا فعال بوده و از سال ۲۰۰۶ نیز هر ساله کنگره‌هایی جهت تبادل اطلاعات در جهت نظام‌مند کردن طب سنتی بر پا می‌شود.

محققان طب رایج نیز در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به طب مکمل و جایگزین داشته‌اند که افزایش محسوس حجم مطالب منتشر شده در کتب مرجع طب رایج موید این مطلب است. لازم به ذکر است «دکتر جورج ویتولکاس» پزشک هومیوپات آمریکایی در سال ۱۹۹۶ جایزه نوبل پزشکی آلترناتیو را به دلیل ارتقای سطح علمی هومیوپاتی دریافت نمودند.

در حال حاضر گروهی از پزشکان در رشته تخصصی طب سنتی ایران مشغول به تحصیل هستند و وزارت بهداشت ایران به پزشکانی که دوره‌های استاندارد رشته‌های طب مکمل و جایگزین را طی نموده‌اند، اجازه فعالیت می‌دهد (از جمله رشته‌های طب سنتی ایران، هومیوپاتی، طب سوزنی، و کایروپراکتیک) و دیری است دبیرخانه «طب سنتی مکمل و جایگزین» در وزارت بهداشت آغاز به کار نموده و در بسیاری از دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور «شورای طب سنتی و مکمل و جایگزین» مشغول به فعالیت است.

به راستی نگارنده محترم تمامی این واقعیات را نادیده می‌پندارند؟ لازم است به اطلاع ایشان رسیده شود نه تنها در درمان میگرن (مورد نظر ایشان)، بلکه در درمان بسیاری از بیماری‌های مزمن می‌توان از روش‌های طب مکمل و آلترناتیو بهره جست (اینجانب به همراه دیگر همکارانم در انجمن

هومیوپاتی ایران آمادگی خود را جهت ارائه پرونده بیماران درمان شده به روش هومیوپاتی اعلام می‌داریم. چنانکه تاکنون در سمینارهای بازآموزی «آشنایی با هومیوپاتی» این مهم انجام یافته است.

در پایان سخنی با مسوولان محترم نشریه سپید که ستون ثابتی تحت عنوان «اخلاق پزشکی» ارائه می‌نمایند:

۵

آیا می‌توان در خصوص رشته‌های تخصصی که بر آن احاطه علمی نداریم، اظهارنظر شخصی نماییم و حکم دهیم؟ آیا چنین رویه‌ای را می‌توان «علمی» یا «اخلاقی» نامید؟

حداقل انتظار از مسوولان محترم پرتیراثرترین نشریه جامعه پزشکی آن است که با احترام به خوانندگان فهیم خود از درج مطالب افراد غیرمتخصص در عرصه طب مکمل و جایگزین خودداری نمایند.

*عضو اتحادیه بین‌المللی پزشکان هومیوپات

عضو شورای طب سنتی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی قزوین

ای نشسته تو در این خانه پر نقش و خیال...

سپید: متنی که در ادامه ملاحظه می‌نمایید، پاسخی است که نویسنده ستون اخلاق پزشکی نشریه، در جواب نامه وارده ای که در این شماره جایگزین این ستون شده، ارائه نموده است...

بدیهی است که درج آن به معنی تایید تمام و کمال محتوای آن از سوی «سپید» نبوده و همچنان فضا برای ادامه این مناظره مکتوب و بحث در این زمینه مهیا خواهد بود.

دکتر کیارش آرامش

متخصص پزشکی اجتماعی، استادیار مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخ پزشکی

دوست نادیده عزیز و فرزانه‌ام به نام آقای دکتر علیرضا طلوع؟ بهبود، مطلب ناچیز این جانب را در شماره دوازدهم خرداد سال جاری مجله وزین سپید (داستانک «اخلاق و سردرد خاله مهری») دیده‌اند و آنقدر لطف داشته‌اند که آن را بخوانند و آنقدر همت و بزرگواری داشته‌اند که دستی به قلم ببرند و دردمندانه و روشنی‌جویانه مطالبی را به من، مسوولان مجله و خوانندگان گرامی آن یادآوری کنند. همت و بزرگواری را چه چیزی جز سپاس سزاوار است؟ شاید اما بسنده بل بایسته بود که این سپاسگزاری بر دل می‌گذشت و به قلم نمی‌آمد. اما فربهی موضوع و دامنگیری روزافزون موضوع طب سنتی و مکمل چندان است که باز شدن باب بحث و گفت‌وگوی بیشتر خالی از مصلحتی نیست. پس بر آن شدم که با نوشتن این پاسخ، هم سپاس خود را آشکار کنم و هم گامی - هر چند در خور خویش و اندک - در راه باز شدن بحث نقادانه و عالمانه در این باب بردارم و دعوت کنم اصحاب اندیشه، از جمله مخاطب ارجمند خود را که این عرصه مهم را از نقد و نظر خالی نگذارند و یکباره به دست مدعیان کم‌مایه و پرادعا نسپارند.

دوست نازنین و بزرگوارم، بر من درویش یک قبا حمله آورده‌اند که چرا در مجله منتسب به موسسه «ابن سینای بزرگ» به طب ابن سینا خرده گرفته‌ام و به بیان ایشان - دشنام‌گویی را «پیشه» کرده‌ام؟ بی‌گمانی حق با ایشان است. دشنام‌گویی صفتی ناپسند و یک رذیلت اخلاقی است. چگونه کسی را سزا است که ستونی با نام اخلاق بنویسد و در آن دشنام بگوید و ناسزا بپراکند و به آفتاب روشنی چون پورسینا لجن یاوه و اتهام پرتاب کند؟ چنین مباد! من اما سخت در این نکته حیرانم که چه نسبتی؟ است میان آن ظاهرًا طیب ناشسته‌رویی که در وب‌سایت خود مادران ناآگاه را توصیه می‌کند که به فرزندان خود واکسن نزنند و به جای آن حجامت کنند (و ده‌ها توصیه نابخردانه و بی‌شرمانه دیگر) با ابن سینا، مردی که طب و علم رایج زمانه خود (یعنی همان طب جالینوسی) را به نیکی آموخته و فراوان بر آن افزوده و مایه فخر همگان بوده و هست اما طبیعی است که طب و نجوم و فیزیک او به همان هزار سال پیش تعلق تاریخی دارد (و همین‌طور، پزشکان فرهیخته و دلسوزی که سعی می‌کنند در طب سنتی، سره را از ناسره جدا کنند و صادقانه و مشفقانه این گنجینه را در اختیار بیماران نیازمند قرار دهند).

نگارنده ارجمند تیزبینانه بر من خرده گرفته‌اند که چرا در داستانک خود، شخصیتی را که استفاده از هومیوپاتی را توصیه می‌کند، گرفتار «خلسه نیمه‌عارفانه و نیمه‌ابلهانه» توصیف کرده‌ام. راستش به باور حقیر، البته چنین خلسه‌ای اصلاً وجود خارجی ندارد. بلکه این گونه خلسه‌ها غالباً «تمام ابلهانه» است اما این هیچ ربطی به -خدای نا کرده - ابله دانستن تمام استفاده‌کنندگان از هومیوپاتی ندارد. همان‌طور که اگر در داستانک مورد گفت و گو، همین شخصیت سوار ماشین پیکان می‌شد به آن معنا نبود که تمامی استفاده‌کنندگان از اتومبیل پیکان، دچار خلسه «نیمه‌عارفانه و نیمه‌ابلهانه»‌اند. آیا اگر در داستانی شخصیت دزدی وجود داشته باشد و آن دزد نابکار زردآلو بخورد، نشانگر آن است که خورندگان زردآلو همه دزدند؟ یا این هم از همان‌گونه «همراهی‌های تصادفی» است که اصحاب بزرگوار طب جایگزین از آن برای اثبات مدعیات خویش بهره‌برداری می‌کنند؟ دقیقاً مثل همزمانی استفاده از داروهای هومیوپاتی و خوب شدن سردرد!

من به چیزی به نام «اخلاق باور» سخت معتقدم. اولین اصل «اخلاق باور» این است که هیچ چیزی را نپذیریم، مگر آنکه شواهد یا دلایل کافی برای پذیرفتن آن داشته باشیم و از آن مهم‌تر اینکه هیچ چیزی را که شواهد با دلایل کافی به نفعش نداریم، بیهوده باور نکنیم. این اصل وقتی مهم‌تر و حیاتی‌تر می‌شود که پای «تجویز» برای دیگران به میان می‌آید.

برای من به عنوان یک پزشک، براساس آنچه در دانشکده طب آموخته‌ام، روش‌ها و معیارهای مشخصی برای باور کردن یک روش تشخیصی و درمانی جدید وجود دارد. این روش‌ها و معیارها، مجموعاً «پزشکی مبتنی بر شواهد» را تشکیل می‌دهند. من نمی‌گویم که این شیوه بی‌نقص است، اما - همانند خیل عظیم پژوهشگران این رشته در سرتاسر جهان و همانند فیلسوفان و نظریه پردازان علم - به روشنی می‌دانم که این بهترین شیوه‌ای است که بشر تاکنون به آن دست یافته است. برای من «ابن سینا گفته است» یا «انرژی کیهانی تایید می‌کند» یا «خودم تجربه کرده‌ام» و... دلیل نمی‌شود که نمی‌شود (نباید هم بشود؛ چرا که با اخلاق باور منافات دارد). بلکه دلیل وقتی دلیل است که در قالب کارآزمایی‌های خوب طراحی شده - با تاکید هزارباره بر خوب طراحی شده - و براساس محک نقد مبتنی بر شواهد، اثربخشی یک روش درمانی را نشان داده باشد. پزشکی سنتی ایران - شامل آثار گران‌سنگ پورسینا، رازی، جرجانی، اهوازی تا پزشکان گمنام سنتی و حتی توصیه‌های سینه‌به‌سینه نقل شده مادر بزرگ‌ها - گنجینه عظیم و ارزشمندی از فرضیه‌هاست.

دوست عزیز من، «فرضیه»، نه «درمان»! این فرضیه‌ها تنها در صورتی ارزش درمانی پیدا می‌کنند و تنها در صورتی تجویزشان اخلاقی و منطبق با اخلاق باور و اخلاق پزشکی است که از کوره کارآزمایی‌های بالینی براساس پزشکی مبتنی بر شواهد گذشته باشند. هومیوپاتی اما حکایت دیگری است. خانه‌ای که بنیادش بر آب است: «تا بداند مومن و گبر و یهود/کاندر آن صندوق جز لعنت نبود!»

نگارنده بزرگوار به رواج استفاده از طب جایگزین در جهان و ایران پرداخته‌اند. «جانا سخن از زبان ما می‌گویی!» اتفاقاً ما هم از همین نگرانیم! گردش مالی بالای انواع مکمل‌ها و داروهای گیاهی ادعایی چنان کلان و گسترده شده و فقط با نگاهی به تبلیغات اینترنتی و ماهواره‌ای و... می‌توان به عمق فاجعه‌ای که در جریان است، پی برد. سازمان جهانی سلامت هم به حق نگران نظام‌مند کردن این آشفته‌بازار گنجشک‌رنگ کنی است. (خاطر هست وقتی در موزه تاریخ علوم پزشکی ابزار حجامت و پایان‌نامه‌های مرتبط با آن را به دکتر خیاط، مدیر منطقه‌ای سازمان نشان دادم، آه از نهادش برآمد و از رواج حجامت غیربهداشتی ابراز نگرانی کرد.) نه فقط سازمان بهداشت جهانی که تشکل‌های زیست‌محیطی هم در مانده‌اند با این غوغای عنیف چه کنند که دارد به منقرض شدن نسل کرگدن در آفریقا (که فکر می‌کنند شاخش چیزی در مایه‌های ویاگراست، که نیست!) و انواع حیوانات و گیاهان دیگر در مناطق مختلف جهان می‌انجامد.

باز هم فروتنانه عرض میکنم که حساب طب سنتی - به عنوان منبعی از فرضیه‌های بالقوه بسیار ارزشمند و حیات‌بخش و راهگشا که باید به آزمون گذاشته شوند - با انواعی از طب مکمل که تنها بر پایه وهم و تئوری‌های من‌درآوردی بنا شده‌اند کاملاً جداست.

چند متاآنالیز گسترده در مجلات پزشکی معتبر در سال‌های اخیر بی‌پایه بودن مدعیات اولیه هومیوپاتی را به خوبی نشان داده‌اند (برای مثال، ۱- متاآنالیز منتشر شده در:

International Journal of Epidemiology, 30 (3): 526-31

در سال ۲۰۰۱،

۲- مرور انجام‌شده بر مرورهای سیستماتیک در:

British Journal of Clinical Pharmacology, 54 (6): 577-82

در سال ۲۰۰۲،

۳- متآنالیز ۱۱۰ کارآزمایی بالینی در:

The Lancet, 366 (9487): 726–732

در سال ۲۰۰۵ - لنست را که می‌شناسید؟،

۴- مرور سیستماتیک منتشر شده در:

Mayo Clinic Proceedings 82 (1): 69–75

در سال ۲۰۰۷ - باز هم بگوییم؟ همگی به یک نتیجه واحد رسیده‌اند: نمی‌توان ادعا کرد که هومیوپاتی از دارونما موثرتر است که اگر این بحث ادامه‌ای یابد، آنها را به تفصیل معرفی خواهم کرد). بساط هومیوپاتی از همین روست که به تدریج از محافل عملی برجیده می‌شود - برای مثال آخرین دپارتمان مستقل هومیوپاتی در دانشگاه‌های آمریکا در سال ۱۹۹۴ بسته شد - و متأسفانه تازه موجش به ایران رسیده و گویا آب را برای ماهیگیری خوب گل آلوده تشخیص داده‌اند اما شما دوست بزرگوار - که به رغم اختلاف عقیده‌ای که داریم، برای شخص شما و تلاشتان برای بحث و روشن‌گری و نقد و نظر بسیار احترام قائلم - اگر دلیلی - جز رنگ‌های گردن و به رخ کشیدن پرشماری مصرف‌کنندگان و پرآوازی مدعیان یا تئوری‌های من‌درآوردی مثل «رفتار ذرات» و «انرژی کیهانی» - برای اثبات اثربخشی این روش دارید، سپاسگزار می‌شوم، اگر عرضه کنید و اگر قوی و منطقی باشند، من فروتنانه به اشتباه خود اقرار خواهم کرد.

باز باش ای باب بر جویای باب تا رسند از تو قشور اندر لباب.

دکتر علیرضا طلوع بهبود/عضو اتحادیه بین‌المللی پزشکان هومیوپات و عضو شورای طب سنتی
و مکمل دانشگاه علوم پزشکی قزوین/ناگفته‌های «هومیوپاتی» (بخش اول)

هومیوپاتی «شبه علم» نیست

نگارنده ارجمند مباحث اخلاق پزشکی نشریه سپید (آقای دکتر کیارش آرامش) در پاسخ به انتقاد اینجانب از رویه اخلاقی اتخاذشده در مقاله ایشان («اخلاق و سردرد خاله مهری» به تاریخ ۹۰/۳/۱۲ که حاوی توهین و تمسخر طب سنتی و آلترناتیو بود) در نوشته‌ای تحت‌عنوان «ای نشسته تو در این خانه پرنقش و خیال» (به تاریخ ۹۰/۵/۶) ضمن استقبال از «باز شدن بحث نقادانه و علمی درخصوص طب سنتی، مکمل و آلترناتیو» از اصحاب اندیشه دعوت کردند که «این عرصه مهم را از نقد و نظر خالی نگذارند»...

ضمن سپاس فراوان از ایشان به دلیل چنین دعوتی به برخی از ابهامات طرح‌شده درخصوص هومیوپاتی (که بخش اصلی مقاله ایشان به رد آن اختصاص یافته بود) می‌پردازم.

نگارنده محترم با ارائه ۴ متاآنالیز عنوان داشته‌اند: «بی‌پایه بودن مدعیات اولیه هومیوپاتی به خوبی نشان داده شده» و اینکه «نمی‌توان ادعا کرد که هومیوپاتی از دارونما موثرتر است» و نهایتاً اینکه «اگر دلیلی جز رگ گردن و به رخ کشیدن پرشماری مصرف‌کنندگان و پرآوازی مدعیان یا تئوری‌های من‌درآوردی برای اثبات اثربخشی این روش دارید، عرضه کنید.» و در بخشی دیگر نیز فرموده‌اند: «اصحاب طب جایگزین از «همراهی‌های تصادفی» برای اثبات مدعیات خویش بهره

می‌برند». در این مقاله توجه ایشان و نیز علاقه‌مندان به این مبحث را به مطالعه تحقیقات فراوانی که در این خصوص انجام یافته جلب می‌کنم و یادآور می‌شوم به دلیل تعداد زیاد مقالات تحقیقی مثبت که حاکی از اثربخشی درمان به روش هومیوپاتی است، تنها به ارائه آدرس سایت‌ها و تعداد مقالات و محتوای آنها به اختصار بسنده می‌کنم و در صورت لزوم در آینده به بحث بیشتر پیرامون محتوی مقالات می‌پردازم.

تحقیقات انجام یافته مثبت در هومیوپاتی

سایت مرکز ملی هومیوپاتی ایالات متحده (NCH) و یکی از کامل‌ترین منابع جهت بررسی تحقیقات در هومیوپاتی است. به جز ۱۳۶ مقاله تحقیقی و ۸ تحقیق در خصوص صرفه اقتصادی استفاده از این داروها که به معرفی ۲ منبع آن می‌پردازیم:

European Council of Classical Homeopathy

شبکه اروپایی تحقیق در هومیوپاتی (ENHR) که در سال ۲۰۰۴ با حمایت «انجمن اروپایی هومیوپاتی کلاسیک» بنا شد (متشکل از ۶۶ محقق از ۱۵ کشور مختلف) آخرین مدارک ارائه‌شده از سوی این تشکل در سال ۲۰۰۹ حاوی ۸۹ تحقیق مثبت به نفع هومیوپاتی است (مشمول بر ۱۰ متآنالیز، ۳۸ کارآزمایی، ۶ تحقیق در صرفه اقتصادی، ۶ تحقیق در خصوص چگونگی عملکرد محلول‌های با رقت بالای هومیوپاتی، ۳ تحقیق در خصوص اثربخشی داروهای هومیوپاتی در حیوانات، ۱۳ تحقیق درباره گسترش هومیوپاتی و ۱۲ تحقیق درباره رضایت‌مندی بیماران از درمان هومیوپاتی و ۱ تحقیق درباره ایمنی این روش).

Knol که مستقلاً نیز قابل دسترسی است:

[http://knol.google.com/K/Scientific Research in Homeopathy](http://knol.google.com/K/Scientific%20Research%20in%20Homeopathy)

جمع آوری ۲۲۳ تحقیق در خصوص موضوعات مختلف هومیوپاتی با طبقه‌بندی‌های متنوع و دسترسی آسان به منابع اصلی سبب جذابیت این سایت است.

محتویات این سایت عبارت است از: ۱۷ متاآنالیز، ۱۱۴ کارآزمایی راندوم دوسویه کور همراه با کنترل پلاسبو، ۱ مطالعه سه‌سویه کور، ۴ مطالعه دوسویه کور، ۴۲ مطالعه کوهورت، ۲۳ تحقیق در امور پایه هومیوپاتی، ۱۷ تحقیق در خصوص چگونگی عملکرد محلول‌های با رقت خیلی بالای هومیوپاتی و... که در این موارد در ۸۶ ژورنال معتبر علمی و پزشکی به چاپ رسیده است. در این سایت می‌توان تعداد مقالات تحقیقی هومیوپاتی در بیماری‌های مختلف را جستجو کرد ضمن اینکه به معرفی یک سایت در خصوص تاثیر هومیوپاتی در گیاهان و ۱۵ سایت تاثیر هومیوپاتی در حیوانات می‌پردازد، ۱۸ تحقیق در خصوص چگونگی افتراق داروهای هومیوپاتی با رقت بالا از آب و سایر مواد غیر دارویی معرفی می‌کند (توسط روش‌های بیوالکتروگرافی و اسپکتروسکوپی - از انواع FTIR، Raman Laser، UV-VIS، NMR).

در پایان نیز در ۴۹ تحقیق مقایسه‌ای کارایی هومیوپاتی را نشان داده است: ۲۳ تحقیق برتری هومیوپاتی نسبت به پلاسبو، ۹ تحقیق برابری هومیوپاتی با طب رایج (آلپاتی) و ۱۷ تحقیق برتری هومیوپاتی نسبت به طب رایج.

www.Faculty of Homeopathy.org/Research

سایت دانشکده هومیوپاتی انگلیس حاوی ۵۰ مطالعه در خصوص هومیوپاتی و بررسی مقایسه‌ای تعداد موارد مثبت و منفی در تحقیقات انجام‌یافته (۱۶ مورد از مطالعات به تحقیقاتی در خصوص چگونگی عملکرد داروهای هومیوپاتی با رقت بالا اختصاص یافته، همچنین در بخش تحقیقات دامپزشکی ۱۱ مطالعه مثبت ارائه شده است.

www.Britishhomeopathic.org/Research

با ورود به منوی Conditions with positive evidence لیستی از بیماری‌های درمان شده به روش هومیوپاتی به همراه گزارشی از ۳ نوع مطالعه انجام یافته (NRS، RCTs)، مرور سیستماتیک) و نیز بخش دیگری تحت عنوان Evidence in Clinical Research Favour of Homeopathy روبرو می‌شویم که در این بخش شاهد ۶۰ تحقیق از نوع RCTs 20 تحقیق از نوع NRS و ۸ مطالعه از نوع مرور سیستماتیک (مجموعاً ۸۸ مقاله) هستیم.

سایت انجمن هومیوپاتی آمریکای شمالی www.Homeopathy.org/Research (NASH) که به جز ۱۱۰ تحقیق موجود در آن حاوی ۲۵ مقاله مهم در موارد مختلف مرتبط با هومیوپاتی است (از جمله مقالاتی در خصوص ایرادهای علمی وارده بر متاآنالیز منتشر شده در Lancet ۲۰۰۵)

www.Homeopathyoz.org/HomeopathyExplained/Research

سایت انجمن هومیوپاتی استرالیا که به جز ۲۰ تحقیق در خصوص چگونگی عملکرد داروهای هومیوپاتی حاوی ۲۳ آدرس از کارآزمایی‌های بالینی درباره هومیوپاتی است (از جمله جمع‌آوری کامل کارآزمایی‌های بالینی هومیوپاتی، ۸ متاآنالیز و مطالعه ۲۵۰۰ بیمار درمان شده به روش هومیوپاتی در بیمارستان بریستول انگلیس و...) ضمناً «مرور مدارک مرتبط با هومیوپاتی» در ۸۶ صفحه از سوی این انجمن قابل دسترسی است که به صورت تفصیلی به نقد و بررسی کارآزمایی‌های انجام یافته (از جمله متاآنالیز منتشر شده در Lancet 2005) می‌پردازد و مستندات و مدارک قابل توجهی را جمع‌آوری کرده است.

سایتی www.CAM-Quest.org پیرامون تحقیق در خصوص طب مکمل و آلترناتیو و مشتمل بر ۴۸۹۳ تحقیق و خلاصه مقاله در درمان بیماری‌های مختلف با استفاده از ۹ روش طب مکمل و آلترناتیو از جمله هومیوپاتی است و از امتیازهای این سایت طبقه‌بندی دقیق، تعداد زیاد مطالعات، دسترسی بر خلاصه مقالات و مقایسه رشته‌های مختلف طب مکمل در درمان یک بیماری است.

منتقد ارجمند پس از ارائه ۴ مطالعه فرموده‌اند «هومیوپاتی از دارونما موثرتر نیست»، بر این باورم اگر ایشان در خصوص چگونگی تدوین کتب داروشناسی هومیوپاتی (ماتریامدیکا) و نشانه‌شناسی بیماری‌ها (رپرتوری) اندک مطالعه‌ای می‌کردند نیازی به طرح این مطالب نمی‌بود؛ برای ورود یک نشانه و علامت به کتاب داروشناسی و نشانه‌شناسی هومیوپاتی از ۲۲۰ سال گذشته تاکنون «کارآزمایی» صورت می‌پذیرد به این ترتیب که در پروسه‌ای طولانی مدت داروهای هومیوپاتی برای گروه‌هایی از افراد سالم داوطلب در سن، جنس و نژادهای متفاوت، تجویز می‌شوند و علایم و نشانه‌هایی که در بیش از ۹۰ درصد افراد به صورت مشترک ایجاد شود، به عنوان علایم اصلی آن دارو اجازه ثبت در کتب مذکور را می‌یابد. روندی که «اثبات اثر داروهای هومیوپاتی (پرووینگک)» نام دارد و یکی از علمی‌ترین روش‌ها جهت ثبت نشانه‌شناسی دارویی قبل از ظهور روش‌های نوین کارآزمایی محسوب می‌شود اما اگر تعدد مطالعات مثبت به نفع هومیوپاتی نیز منتقد محترم را اقناع نمی‌کند قاعدتاً بررسی مطالعات مثبت، روی کودکان زیر ۲ سال، گیاهان و حیوانات شائبه تاثیر روانی دارونما را از میان می‌برد.

نگارنده ارجمند مباحث اخلاقی پزشکی نشریه سپید اخیراً نیز (در تاریخ ۹۰/۶/۳ تحت عنوان «گفت‌وگوی عصرانه درباره شبه‌علم») هومیوپاتی را «شبه‌علم» نامیدند و فرمودند: «با تشبه به علم مخاطب را فریب می‌دهد»، «در مجامع رسمی علمی و مجله‌های تخصصی خود را عرضه نمی‌کند» و «در شبه‌استدلالات خود از کلمات مبهم کمتر واضح علمی استفاده می‌کند». امید آنکه مطالعه مقالات علمی و کارآزمایی‌های انجام‌یافته (که به دلیل تعدد تنها به اختصار آدرس آنها را که در بیش از ۸۶ ژورنال معتبر پزشکی و علمی به چاپ رسیده ارائه کردم) مفید واقع شود. در این مطالعات در مباحث پایه هومیوپاتی - چگونگی عملکرد داروهای با رقت بالا - به تعداد کافی مدرک مستند ارائه شده است که یکی از مهم‌ترین آنها متعلق به «دکتر لوک مونتانیه» است [ویرولوژیست پرسابقه فرانسوی - کاشف ویروس HIV- ریس بنیاد تحقیقات و پیشگیری از AIDS- دریافت‌کننده جایزه نوبل سال ۲۰۰۸] که با ارائه ۲ تحقیق عملکرد محلول‌های با رقت بالا را تایید کرده و به دلیل اهمیت این موضوع بخشی از مصاحبه ایشان (با مجله ۲۴ Des2010- Science)

ارائه می‌شود: «حالا می‌توانم بگویم که محلول‌های با رقت بالا کار می‌کنند» «از وی می‌پرسند: «آیا نگران نیستید که با وجود شهرت علمی با ارائه این مطالعات به حرکت به سوی «شبه علم» متهم شوید؟» و او پاسخ می‌دهد: «خیر چون این شبه علم و یا فریبکاری نیست. این یک پدیده واقعی علمی است که البته شایسته مطالعه بیشتر است» (ادامه دارد)...

در بخش دوم این مقاله به علل منفی شدن برخی مطالعات هومیوپاتی (خصوصاً متآنالیز Lancet 2005) پردازم و به برخی از روش‌های غیراخلاقی بر علیه هومیوپاتی اشاره خواهم کرد.

دکتر علیرضا طلوع بهبود/عضو اتحادیه بین‌المللی پزشکان هومیوپات، عضو شورای طب سنتی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی قزوین/ناگفته‌های هومیوپاتی - بخش دوم:

یک بام و دو هوا برای هومیوپاتی

بخش اول «ناگفته‌های هومیوپاتی» که در پاسخ به نوشتار آقای دکتر کیارش آرامش ارائه شد به معرفی تعداد زیادی از مطالعات مثبت در حیطه‌های گوناگون درمانی و نیز چگونگی عملکرد محلول‌های با رقت بالای هومیوپاتی اختصاص یافت و اینک در بخش دوم ضمن بررسی چگونگی انجام تحقیقات هومیوپاتی به برخی از خطاهای بارز در این حیطه اشاره می‌کنیم:

اشکال اساسی برخی کارآزمایی‌های هومیوپاتی

اکنون پرسش مهمی مطرح می‌شود: چرا با وجود تعداد زیاد مطالعات مثبت هومیوپاتی برخی تحقیق‌ها قادر به تایید تاثیر هومیوپاتی نیستند؟ یکی از مهم‌ترین دلایل آن اشکال بنیادی در روش تحقیق درباره هومیوپاتی است. در غالب این مطالعات به شیوه طب رایج یک یا چند داروی هومیوپاتی جهت درمان یک نشانه و شکایت بیمار ارزیابی شد، در حالی که تفاوت اصلی هومیوپاتی با طب رایج نه در «نوع داروهای مورد استفاده» بلکه در «روش کل‌نگر» درمان بیماری‌هاست به این ترتیب که پزشک هومیوپات برای تجویز یک داروی هومیوپاتی در شکایت مشخص بیمار باید طی شرح حالی مفصل و طولانی تمام نشانه‌های «جسمی و ذهنی» بیمار را ثبت کند و تجویز دارو براساس «تصویر کلی ساختار بیمار» صورت می‌پذیرد، به‌طور مثال در کتاب ۲۰۰۰ صفحه‌ای نشانه‌شناسی (رپرتوری) هومیوپاتی که بالغ بر یکصد هزار نشانه و علامت بیماری در کنار آن نام بیش از ۴۰۰۰ نوع داروی هومیوپاتی ذکر شده است، در بحث ۹۶ صفحه‌ای «سردرد» نام ۵۴۹ دارو آمده، (مثلاً ۳۲ دارو در سردرد ناشی از خشم، ۳۸ دارو در سردرد ناشی از گرسنگی، ۱۰ دارو در سردرد ناشی از سوگ، ۱۸۷ دارو در سردردهای همراه تهوع و.....)

به‌طور مثال بیمار میگرنی با سردردهای همراه تهوع، تیک صورت، بی‌قراری جسمی و ذهنی و حرکات شدید پاها قبل از خواب داروی هومیوپاتی «Zinc» و بیمار دیگر میگرنی با درد معده و سردردهای ناشی از خشم که منجر به

استفراغ می‌شود، زودرنجی و مرور خاطرات بد گذشته همراه بی‌حسی دست‌ها هنگام خواب داروی هومیوپاتی «Nat.m» و بیمار سوم میگرنی با شکایت دردهای نیمه راست سر همراه درد چشم و داغی شدید کف دست‌ها و سفیدی زودرس موها، نفخ شدید، اعتماد به نفس پایین و سابقه سنگ کلیه داروی هومیوپاتی «LYC» را دریافت می‌کند.

حال اگر قرار شود در یک کارآزمایی درمان میگرن توسط هومیوپاتی از یک دارو برای تمام مراجعه‌کنندگان استفاده شود احتمال وقوع درمان قطعا منفی خواهد بود (با احتمال $0/0018 = 1/549$) جالب آنکه این نکته بسیار بدیهی در تعداد بسیاری از مطالعات رعایت نمی‌شود و باعث پاسخ‌های متناقض می‌شود. مثلا در حالی که مطالعات متعددی کارایی درمان هومیوپاتی در اسهال کودکان را تایید می‌کند (مطالعه روی ۸۱ بیمار در نیکاراگوئه:

Pediatrics 1994 may: 93(5)719-25

و مطالعه روی ۱۲۶ کودک در نپال:

.(Alter Complement med 2000 Apr 6 (2)131-9

مطالعه دیگری در هندوراس با استفاده از داروی ترکیبی هومیوپاتی (و نه ویزیت فردی بیمار توسط پزشک هومیوپات) تاثیر قابل توجهی را نشان نمی‌دهد و اصولا در هومیوپاتی کلاسیک هیچ‌گاه از یک دارو یا داروهای ترکیبی جهت درمان استفاده نمی‌شود! مورد دیگری که در برخی مطالعات مشاهده می‌شود استفاده از یک داروی هومیوپاتی در مواردی است که در کتب مرجع هومیوپاتی نیز چنین خاصیتی برای آن دارو ذکر نشد!

چرا خطا رخ می‌دهد؟

بنابراین باید قبل از ارزیابی مطالعات مثبت و منفی هومیوپاتی ابتدا چنین کارآزمایی‌های حذف شود و آنگاه نتیجه‌گیری صورت پذیرد اما اکنون پرسش دیگری مطرح است:

چرا چنین خطاهای محرز رخ می‌دهد؟ آیا می‌توان تصور کرد که قبل از انجام یک تحقیق وسیع و پرهزینه اصول بدیهی و پایه هومیوپاتی مطالعه نشده باشد؟ به نظر می‌رسد «تعصبات جدی علیه طب مکمل و هومیوپاتی» در این امر بی‌تاثیر نباشد چون نه تنها در «روش تحقیق» بلکه در نحوه «نگارش نتیجه‌گیری نهایی» برخی مطالعات و نیز

«چگونگی ارائه آنها در رسانه‌ها» جانبداری‌های آشکار غیرعلمی قابل مشاهده است، برای نمونه به متاآنالیز مورد تاکید منتقد محترم هومیوپاتی می‌پردازیم:

(Lancet ۲۰۰۵, ۷۲۶:۳۶۶-۳۲۲ نگارش Shang و همکاران) این مطالعه به دلیل استفاده از تیترا «پایان هومیوپاتی» در بازتاب رسانه‌ای خود، بسیار خبرساز شد، خصوصاً از آن رو که خلاصه رسانه‌ای آن حاکی از مقایسه ۱۱۰ کارآزمایی بالینی هومیوپاتی در برابر ۱۱۰ کارآزمایی بالینی طب رایج بود اما آنچه در بخش رسانه‌ای اشاره‌ای به آن نشد آن است که در پایان، مطالعه به ۲۱ کارآزمایی هومیوپاتی و ۹ کارآزمایی طب رایج تقلیل یافت و نهایتاً مدیر این تحقیق تنها براساس انتخاب ۸ مطالعه هومیوپاتی و ۶ مطالعه طب رایج به گفته وی واجد «کیفیت بالاتری» از بقیه بود به حکم نهایی خود رسید که «هومیوپاتی از دارونما موثرتر نیست!» جالب اینکه در ۵ مورد از ۸ مطالعه حاوی کیفیت بالاتر هومیوپاتی (به زعم نویسنده) داروی هومیوپاتی واحدی برای همه افراد مورد مطالعه تجویز شده! (و نه درمان کلاسیک هومیوپاتی) و جالب‌تر آنکه همین نویسنده (Shang) هنگام بحث و بررسی مطالعه دیگری (درمان هومیوپاتی عفونت‌های سیستم تنفسی فوقانی - URI) هنگامی که با ۸ کارآزمایی مثبت هومیوپاتی روبرو می‌شود، می‌گوید: «هر چند ۸ کارآزمایی داروهای هومیوپاتی نشانگر سودمندی این روش است اما به دلیل وجود شواهدی از جانبداری این نشریات نتایج آن چندان قابل اعتماد نیست و البته ۸ مطالعه جهت نتیجه‌گیری در این خصوص بسیار کم است!»

چنین به نظر می‌رسد که در نگاه برخی ۸ مطالعه (حتی ناقص) جهت بطلان هومیوپاتی کافی است اما جهت اثبات تاثیر هومیوپاتی در یک بیماری قابل اعتماد نیست!

اما نکته مهم اینجاست که با وجود لزوم حذف چنین مطالعاتی قبل از ارزیابی کامل مطالعات مثبت و منفی هومیوپاتی، در حال حاضر نیز آمار و ارقام حکایت از برتری قابل توجه مطالعات مثبت هومیوپاتی به موارد منفی دارد.

بررسی ۱۴۲ RCTS از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۹ در خصوص هومیوپاتی تنها ۸ درصد منفی بوده و ۴۴ درصد مثبت (یعنی ۵/۵ برابر موارد منفی) و این در حالی است که در ۷۲ درصد مطالعات (۱۰۲ مورد) روش کلاسیک هومیوپاتی (ویزیت فردی یافتن داروی مناسب) رعایت نشده است!

بررسی صحت و سقم برخی مواضع علیه هومیوپاتی

برخی مواضع منتقد محترم هومیوپاتی متاسفانه با واقعیات مطابقت ندارد.

«بساط هومیوپاتی به تدریج از محافل علمی بر چیده می شود برای مثال آخرین دپارتمان مستقل هومیوپاتی در دانشگاه‌های آمریکا در سال ۱۹۹۴ بسته شد.» برخلاف فرمایش ایشان هم‌اکنون در دانشگاه «American University of Complementary Mediahe» دپارتمان مستقل هومیوپاتی وجود دارد و البته لازم به ذکر است که غالب پزشکان هومیوپات آمریکا آن را در غالب دوره «دکتری ناتروپاتی (ND)» می‌آموزند که در حال حاضر در ۱۲ دانشگاه ایالات متحده تدریس می‌شود.

ضمن اینکه هم‌اکنون در ۳۶ انستیتو و کالج معتبر تدریس هومیوپاتی در آمریکا انجام می‌پذیرد. ادعای ایشان در خصوص افول هومیوپاتی نیز مشخص نیست. براساس کدام مدرک طرح شده است زیرا هم از لحاظ گسترش هومیوپاتی و پذیرش مردم و هم از حیث تعداد پزشکان هومیوپات و هم از نظر تعداد مراکز تدریس نسبت به ۲۰ سال گذشته آمارها رشد محسوسی را نشان می‌دهند: «هومیوپاتی در حال حاضر در ۴۱ کشور اروپایی مورد استفاده قرار می‌گیرد و طب مکمل اول در کشورهای فرانسه، انگلیس، آلمان، ایتالیا و هند است. بیش از یکصد میلیون نفر از اروپاییان ویزیت هومیوپاتی شده‌اند. ۷۵ درصد مردم اروپا آن را می‌شناسند و ۲۹ درصد آنها از آن استفاده می‌کنند. ۵۴ هزار پزشک هومیوپات در حال حاضر در اروپا مشغول فعالیت هستند.»

منتقد ارجمند در موارد متعددی گسترش طب مکمل و آلترناتیو را ناشی از «تبلیغات دروغین» دانسته‌اند، امری که حداقل در خصوص هومیوپاتی صادق نیست و برعکس فرمایش ایشان مشکل اصلی هومیوپاتی در ایران «عدم اطلاع‌رسانی صحیح» درباره آن است به طوری که حتی برخی پزشکان آن را با «انرژی درمانی» یکی می‌دانند، جالب آنکه منتقد محترم هومیوپاتی نیز در مواردی هنگام طرح مسایل پایه هومیوپاتی به تمسخر اصول انرژی درمانی پرداخته‌اند! اگر اطلاع‌رسانی صحیح در این خصوص انجام می‌یافت و منتقدان می‌دانستند که همه داروهای هومیوپاتی لزوماً به صورت رقیق شده تجویز نمی‌شوند و در مواردی مانند طب گیاهی (Herbal Medicine) از عصاره خالص ماده گیاهی استفاده می‌شود هیچ‌گاه بیان نمی‌شد که «داروهای هومیوپاتی از دارونما موثرتر نیستند» چنانچه در طب گیاهی چنین موضوعی طرح نمی‌شود اما اختلاف اصلی نه «در نوع داروها» یا «رقت» آنها بلکه در «روش تجویز» آنهاست که در طب سنتی و گیاهی غالباً این داروهای طبیعی به روش «ضد درمانی» و در هومیوپاتی به شیوه «مشابه درمانی» تجویز می‌شوند (مانند آنچه در واکسیناسیون رخ می‌دهد).

نگارنده محترم در خصوص سیاست سازمان بهداشت جهانی در خصوص طب سنتی و مکمل فرموده‌اند: «سازمان بهداشت جهانی به حق نگران نظام‌مند کردن این آشفته بازار گنجشک رنگ‌کنی است و ... در مانده‌اند با این

غوغای عنیف چه کنند». با نگاهی حتی گذرا به مواضع صریح سازمان بهداشت جهانی در می‌یابیم که فرمایشات مذکور منطبق با واقعیت نیست. سازمان جهانی بهداشت از سال ۱۹۷۶ کار روی «طب سنتی و آلترناتیو» را به صورت جدی آغاز کرد و میزان حمایت این سازمان از گسترش طب سنتی و مکمل به اندازه‌ای آشکار است که طرح چنین سخنانی از نگارنده به غایت عجیب می‌نماید. استراتژی سازمان جهانی بهداشت درباره طب سنتی در بولتن ۷۶ صفحه‌ای در سایت سازمان جهانی بهداشت به سهولت قابل دسترسی است که خلاصه آن قبلاً ارائه شد و افزایش دسترسی مردم به طب سنتی و مکمل و ترویج استفاده از آنها و ادغام آن با سیستم بهداشتی و درمان رایج» به عنوان سیاست این سازمان به صراحت اعلام شده است. مواضع سازمان جهانی بهداشت درباره هومیوپاتی نیز کاملاً صریح است، بولتن رسمی این سازمان تحت عنوان «ادغام هومیوپاتی در سیستم سلامتی» (Homeopathy in Health Systems Integrating) در دسترس است. اخیراً نیز دستورالعمل چگونگی تهیه داروهای هومیوپاتی در ۶۳ صفحه (در سال ۲۰۱۰ منتشر شده است. حمایت آشکار سازمان جهانی بهداشت در این خصوص به اندازه‌ای است که سال‌ها قبل منتقد دیگر هومیوپاتی (در تاریخ ۸۷/۵/۱۰ در همین نشریه) در توجیه آن در موضعی شگفت‌آور استراتژی سازمان بهداشت جهانی را متأثر از «مسایل سیاسی روز» ارزیابی کردند!

سخن پایانی

معتقدم اگر «دلایل رضایت‌مندی بیماران» از هومیوپاتی به خوبی بررسی شود حقایق بیشتری بر ما آشکار می‌شود و گسترش طب آلترناتیو را تنها به «تبلیغات دروغین مدعیان شارلاتان طب آلترناتیو» نسبت نخواهیم داد!

به هر روی بر این باورم که «توهین، تمسخر و تحریف» ممکن است کارکردهایی گذرا داشته باشد و، اهدافی را برآورده کند اما قطعاً نزد اهل معرفت اسباب سرافرازی نخواهد بود و اصولاً دفاع از «حق و اخلاق» از مسیر «غیراخلاقی» امکان‌پذیر نیست. در هر صورت فواید برخی از درمان‌های طب مکمل و آلترناتیو برای بیماران دردمند به اندازه‌ای است که فعالان این عرصه ناملايمات راه را به جان می‌خرند و تمسخر و توهین افراد آگاه و ناآگاه آنان را متزلزل نخواهد کرد.

اینجانب همچون همکار گرانقدرم آقای دکتر کیارش آرامش دغدغه اصلاح وضع فعلی و پرهیز از تبلیغات دروغ در عرصه پزشکی اعم از طب رایج و طب مکمل را دارم و به دلیل کار در این عرصه شاید بیش از ایشان ایراداتی

را به برخی شاغلان عرصه طب مکمل وارد بدانم (مانند ایراد به حقی که ایشان در خصوص یکی از پزشکان طب سنتی مطرح کردند، هر چند نمی‌توان بر این اساس کل طب سنتی را مورد سوال قرار داد) چنانکه معتقدم چنین انتقادهایی در عرصه طب رایج فراوان قابل اشاره است. در خصوص کارایی درمانی، نقص‌هایی در هر دو گروه مشاهده می‌شود و در کنار آن نقاط قوتی وجود دارد که نمی‌توان از آنها چشم پوشید. به همین دلیل اخیراً در غرب استفاده توأمان از طب رایج و طب آلترناتیو مدنظر قرار گرفته تحت‌عنوان **Integrative Medicine** ضمناً با منتقد ارجمند موافقم که «پزشکی مبتنی بر شواهد» را به عنوان معیار کارایی طب مکمل و آلترناتیو مدنظر قرار دهیم به آن شرط که کارآزمایی‌ها به درستی طراحی شوند (و نه از آن گونه که در خصوص هومیوپاتی انجام شد و به آن پرداختیم). رییس کنگره طب سنتی سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۰۸ می‌گوید: «نیازی به نزاع میان طب سنتی و طب رایج غربی نیست».

با ادغام اینها می‌توان به توازن سودمندی دست یافت به گونه‌ای که هر یک نقاط ضعف دیگری را جبران کند و این به خودی خود رخ نمی‌دهد و نیازمند مدیریت هوشمندانه و دقیقی است که البته موفقیت‌آمیز خواهد بود.»

در پایان ضمن سپاس مجدد از منتقد ارجمند و نیز همکاران نشریه سپید که امکان این مناظره مکتوب را فراهم آوردند، امید آن دارم چنانچه این مباحثه مفید در باب طب سنتی و مکمل استمرار یابد معیارهای اخلاقی در آن بیش از پیش موردعنايت قرار گیرد.

این همه گفتیم لیک اندر بسیچ

بی عنایات خدا هیچیم هیچ

بی عنایات حق و خاصان حق

گر ملک باشد سیه گردد ورق.

اخلاق پزشکی/دکتر کیارش آرامش/متخصص پزشکی اجتماعی و استادیار مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخ پزشکی

وقتی که عقل نقاد نباشد....

مستعلی روزنامه‌ای را در دست گرفته و در حالی که بخش حوادث را می‌خواند، خنده‌اش گرفته است...

«به چه می‌خندی درویش جان؟!» جواب می‌دهد: «اینجا نوشته که در یکی از شهرستان‌ها فردی را بازداشت کرده‌اند، به این جرم که ادعای پیامبری کرده است.» من سری تکان می‌دهم و می‌گویم: «اینکه خنده ندارد، بیچاره حتماً یا بیماری ذهنی داشته که باید درمان شود یا شارلاتان بوده که لابد بساطش را جمع می‌کنند.» مستعلی می‌گوید: «به این نمی‌خندم پدرجان. به این می‌خندم که همراه با این آقا تعداد زیادی از مریدانش هم بازداشت شده‌اند. اینها دیگر که بوده‌اند که فریب چنین ادعای مضحکی را خورده‌اند و تا پای حبس هم پایش ایستاده‌اند.» صفاعلی صدایش در می‌آید که: «وقتی آدم‌ها از عقل نقاد خود استفاده نکنند، مانند قندی می‌شوند که شارلاتان‌ها را مثل مگس به خود جذب می‌کنند. اینان برای فرار از مشکلات و اضطراب‌هایشان به فریب کارانی پناه می‌برند که تنها قدرت تلقین و ظاهر فریبی بالایی دارند.» مستعلی سخن را پی می‌گیرد: «درست است! یکی از مشکلات و اضطراب‌هایی که آدم‌ها را زود به دامان فریبکاران ظاهر فریب سوق می‌دهد، بیماری است.» من با خودم فکر می‌کنم که: «به همین دلیل است که حوزه سلامت و پزشکی یکی از مستعدترین زمینه‌ها برای رویش گیاهان هرزه شبه‌علم است. از انرژی؟ درمانی بگیر تا مغناطیس؟ درمانی، تا فرار روان‌شناسی و سنگ درمانی و هومیوپاتی و شستشوی روده درمانی و طب آنتروپوسوفیک و شفای کریستالی و آیورودای ماهاریشی تا حتی درمان با نوشیدن ادرار دیگران (شوخی نمی‌کنم، واقعا این هم یکی از شاخه‌های طب مکمل است که با روند جاری، لابد به زودی موسسات و انجمن‌هایش در کشور افتتاح خواهند شد) و ده‌ها نام پر زرق و برق یا خنده‌دار اما همگی تو خالی دیگر.» صفاعلی که انگار فکرم را خوانده، در می‌آید که: «یعنی همه کسانی که در طب سنتی و مکمل کار می‌کنند، فریبکارند؟!» من با حدت و شدت جواب می‌دهم که: «نه! هرگز چنین چیزی را نگفتم.» و توضیح می‌دهم که: «تمامی انواع طب مکمل یکسان و یکدست نیستند. برخی مانند انرژی؟ درمانی یکسره وهم یا فریبکاری‌اند. برخی دیگر اما، مانند گیاه‌درمانی طب سنتی، منبعی بسیار غنی و ارزشمند از فرضیه‌اند که باید در کار آزمایشی‌های بالینی سنجیده شوند و سره از ناسره‌شان جدا گردد و بعد از تایید علمی عرضه شوند.» مستعلی می‌گوید: «اما همین طب سنتی هم در کنار عده‌ای دانشمند شریف و زحمتکش، جولانگاه جمعی شارلاتان بی‌شرم نیز شده که یکی از

بارزترین نمونه‌هایش، بساط مفصلی به راه انداخته و سایت اینترنتی هم دارد و با توصیه‌هایی نابخردانه با سلامت مردم بازی می‌کند و پولشان را به جیب می‌زند.»

دکتر کیارش آرامش/متخصص پزشکی اجتماعی و استادیار مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخ پزشکی/یادداشتی
مجدد در پاسخ به مدافعان هومیوپاتی
هومیوپاتی چیزی جز شبه علم نیست

چند هفته‌ای بیش از آن زمان نمی‌گذرد که جناب آقای دکتر طلوع بهبود، طعنه ملایم من به ارباب هومیوپاتی - در یک داستانک کوتاه- را برنفتند و بر آن نقدی تند نگاشتند که در «سپید» به چاپ رسید. آن نقد، بنده کمترین را بر آن داشت که در مقاله‌ای با عنوان «ای نشسته تو در این خانه پر نقش و خیال» دلایل خود را برای باور به «شبه علم» بودن هومیوپاتی و اینکه درمان‌های ادعایی آن تاثیری بیش از دارونما ندارد، شرح دهم...

آن مقاله از سوی جناب آقای دکتر طلوع بی‌پاسخ نماند و ایشان در مقاله‌ای مشروح که در ۲ شماره پی‌درپی سپید به چاپ رسید، تحت عنوان «هومیوپاتی شبه‌علم نیست» به اینجانب پاسخ دادند.

من از جناب آقای دکتر طلوع سه سپاس دارم. تمام جواب من به مقاله مشروح و دو قسمتی ایشان چیزی جز شرح این سه سپاس نیست:

یکم آنکه دست به قلم برده‌اند و به بحث و تبادل رأی نشسته‌اند و برای مدعای خود دلیل عرضه کرده‌اند. این کم‌فضیلتی نیست.

دو دیگر آنکه اخلاق بحث و مناظره را در منتهای درستی و زیبایی رعایت کرده‌اند. در بحث خود «استدلال» من را هدف گرفته‌اند نه «شخصیت» من را. در عین احترام متقابل و مدنیت، مخالفت خود را با عقیده من بیان کرده‌اند و برای این مخالفت دلیل آورده‌اند. این هم فضیلتی نه‌چنان است که به حساب اندک آید.

سه دیگر اما به محتوای مقاله ایشان برمی گردد. به باور من، اگر مقاله ایشان با دقت و عالمانه و نقادانه خوانده شود، نه تنها در رد مدعیات این حقیر نیست، بلکه بند به بند در تایید آن است. مابقی این مقال، چیزی جز شرح پاره‌ای از همین سپاس سومین نیست.

برای عرضه این نکته به شرح، بهتر است که در ابتدا درک خود را از دلایل و استدلال‌های ایشان با رعایت اختصار بیان کنم:

فرموده‌اند که هومیوپاتی «شبه علم» نیست، بلکه خود علم است زیرا:

اصحاب هومیوپاتی در سایت‌ها و مجلات متعلق به هومیوپاتی بیش از صدها بار گفته‌اند که هومیوپاتی خیلی موثر بوده است. این گفتن در قالب مقالات و پژوهش‌ها و متاآنالیزها و نظریه‌پردازی‌های عدیده بوده است،

آقای دکتر «لوک مونتانیه» هم گفته است که هومیوپاتی اصلاً شبه علم نیست،

علت اینکه مجله لئست به این نتیجه رسیده است که هومیوپاتی اثری بیش از دارونما ندارد، آن است که لئست دید کل‌نگر نداشته است،

هومیوپاتی خیلی در جهان رواج دارد. سازمان بهداشت جهانی هم آن را تایید کرده است!

من در این مجال مختصر بر آنم که نشان دهم که هر ۴ استدلال فوق راه به مقصودی برخلاف منظور ایشان می‌برند:

در بخش اول، نویسنده محترم چند وب‌سایت متعلق به ارباب هومیوپاتی را معرفی کرده‌اند و ما را به خواندن پژوهش‌ها و مقالات مندرج در آنها دعوت کرده‌اند. شاید خوانندگان گرامی سپید هم چون من با این گونه سایت‌ها، مقالات و مطالعات ناآشنا نباشند. مطالعاتی که از همان ابتدا به نیت تایید منظوری خاص طراحی و اجرا می‌شوند. به همین خاطر مجریان، داوران و منتشرکنندگان آنها همگی از پزشکان و سازمان‌ها و مجلات مدافع هومیوپاتی‌اند. این اتفاقا یکی از اصلی‌ترین نشانه‌های شبه علم است که خود را از محافل رسمی و کلاسیک و معتبر علمی دور و مجلات و محافل و همایش‌ها و آموزشگاه‌های جداگانه و خاص خود را تاسیس می‌کند.

اگر بخواهم تک‌تک مقاله‌های مندرج در این سایت‌ها را نقد و بررسی کنم بی‌تردید کتابی حجیم می‌شود و از حوصله این مجله خارج است. وانگهی به نظر نمی‌رسد که کار چندان با ارزشی هم باشد. انبوهی از این مقالات تنها در بردارنده ادعاهای کلی و معرفی تک مورد‌های ادعایی تاثیرند که به علت فقدان روش‌شناسی مشخص، قابل

نقد نیستند. از میان انبوه این به اصطلاح شواهد، دو مورد را که دارای روش ناسی قدری به سامان تر بوده‌اند و در مجلاتی مستقل به چاپ رسیده‌اند و در سیاهه شواهد به نفع هومیوپاتی آورده شده‌اند معرفی می‌کنم تا ببینیم که ارباب این حرفه چگونه شواهد و مطالعاتی را برای اثبات اثربخشی داروهای خود علم می‌کنند و به پیش می‌کشند.

اولین مطالعه، به این آدرس:

E, et al l. Weatherley - Jones
randomised, controlled, triple -
blind trial of the efficacy of
homeopathic treatment for chronic
۲۰۰۴.fatigue syndrome. J Psychosom Res
Feb ; 56(2):189 - 97

یک کارآزمایی سه سو کور و شاهددار است که اثر درمان هومیوپاتی را بر نشانگان خستگی مزمن بررسی کرده است. پژوهشگران با هوشمندی به سراغ بیماری‌ای رفته‌اند که بسیار سابیجکتیو و اثر پذیر از تلقین است. نتایج مطالعه اما جالب است: اگر چه تعداد افرادی که بهبود را گزارش کرده‌اند در گروه هومیوپاتی بیشتر بود اما تفاوت‌ها از نظر آماری معنی‌دار نبود! در نتیجه‌گیری، مقاله اثرات مثبت را به مشاوره - نه داروهای - هومیوپاتی نسبت می‌دهد و بیان می‌کند که اگر چه تفاوت معنی‌دار نبود، اما مطالعات بیشتری در این مورد مورد نیاز است.

برویم به سراغ پژوهش دوم به این آدرس:

J ; et al l. Homeopathic Jacobs
treatment of acute otitis media in
preliminary randomized children: a
placebo - controlled trial.
Disease Pediatric Infectious
Journal, February 2001 - Volume 20 -
Issue 2 - pp 177 - 183

در اینجا هم با یک کارآزمایی بالینی روبه‌رو هستیم. این بار روی درمان اوتیت میانی حاد در کودکان. این مقاله هم در سایت معرفی شده از سوی دکتر طلوع عزیز به عنوان شاهدهی از اثرگذاری هومیوپاتی آورده شده است. شاید به این امید که کسی به متن مقاله مراجعه نکند. مطالعه در شاخص‌های اصلی مورد بررسی تفاوت معنی‌داری

میان داروهای هومیوپاتی و دارونما پیدا نمی‌کند و در نهایت چنین نتیجه‌گیری می‌کند که براساس این مطالعه اثربخشی داروهای هومیوپاتی را نمی‌توان رد کرد بلکه به مطالعات بزرگ‌تری نیاز است!

آقای دکتر طلوع! این ۲ گونه از بهترین موارد مندرج در سیاهه شواهد ادعایی در سایت‌هایی بودند که شما در مقاله‌تان معرفی کرده‌اید. بقیه البته از این هم ضعیف‌تر و بیراه‌ترند. انصاف شما و ارباب هومیوپاتی و گردانندگان این سایت‌ها را شکر!

مخلص کلام اینکه با خواندن مجموعه پژوهش‌هایی که آقای دکتر طلوع معرفی کرده‌اند به ۲ گروه کلی برمی‌خوریم؛ یکی آنهایی که به واسطه ناروش‌مند بودن و طرح ادعاهای بی‌دلیل بر ضد خود عمل می‌کنند و دوم آنهایی که با روش درست به انجام رسیده‌اند و با رسیدن به این نتیجه که هومیوپاتی اثری بیش از دارونما ندارد، مقصود فوق را حاصل آورده‌اند. اینکه حالا به مطالعات بیشتری هم نیاز است، بیشتر به یک تعارف می‌نماید!

اینکه فلان ویرولوژیست معتبر هومیوپاتی را تایید کرده است که نشد دلیل! ما که بحث نقلی نمی‌کنیم. اگر کسی ویرولوژیست یا شیمیست یا فیزیولوژیست معتبری شد، دیگر باید از او حدیث نقل کرد و از دیگران انتظار مجاب شدن داشت؟ خوانندگان این سطور حتما قبول دارند که برای رد یا اثبات علم بودن هومیوپاتی باید دلیل عقلی آورد نه نقلی. متشبث شدن به دلایل نقلی خود نشانه دیگری از خالی بودن چنته از دلایل قوی و منطقی - یعنی مبتنی بر شواهد - است.

چند متآنالیز خیلی معتبر - که متآنالیز لنست فقط یکی از آنهاست - برابر بودن اثر داروهای هومیوپاتی با دارونما را نشان داده‌اند. اینکه متآنالیزها کل‌نگر نبوده‌اند و باید کل وجود فرد را در نظر می‌گرفتند و اینکه داروهای هومیوپاتی بی‌شمارند و اگر یک دارو اثر نکرده است لابد در جای خود به کار نرفته است و با عرض معذرت، در نزد اهل علم و کسانی که می‌دانند متآنالیز چیست و چگونه انجام می‌شود، بهانه‌هایی نابه‌جا و تاسف‌آور است. (البته باز نبودن نسبت به بررسی بیرونی و اعلام اینکه فقط خودمان می‌توانیم این کار را به انجام برسانیم نیز یکی از اصلی‌ترین نشانه‌های شبه علم است) البته شاید بتوان ذهن ناآگاهان را با این روش‌ها گل‌آلود کرد به امید آنکه باور واهی به هومیوپاتی چون ماهی به شست افتد. البته دامن نویسنده محترمی که مخاطب این پاسخنامه است از چنین حیلتی منزّه است.

رواج هومیوپاتی نیز - همانند رواج انرژی درمانی و جنگیری و کف‌بینی و عرفان کوانتومی و استفاده از موادمخدر که همگی در جهان میلیون‌ها مشتاق و طرفدار و خریدار دارند - هیچ حقانیتی را برای این رشته فراهم نمی‌آورد. تنها نگرانی و افسوس عالمان و دلسوزان را صدچندان می‌کند.

در مورد تایید سازمان بهداشت جهانی هم حتم دارم که شما موضوع را با دقت دنبال نکرده‌اید و گرنه - به واسطه تبعیت تامی که از اخلاق دارید - از تکرار سخن نادرست و فریبکارانه برخی از ارباب هومیوپاتی احتراز می‌کردید. سازمان بهداشت جهانی هیچ‌گاه هومیوپاتی را تایید نکرده است. تنها: الف - از رواج آن خبر داده است. ب - در مورد استفاده از آن در درمان بیماری‌های خطیر هشدار داده و ابراز نگرانی کرده است و ج - مقالاتی در بولتن سازمان چاپ شده که در آن ادعا شده که هومیوپاتی شایان بررسی بیشتری است. این سومی دقیقاً همان چیزی است که شما در مقاله‌تان تحت عنوان «موضع رسمی سازمان بهداشت جهانی در بولتن رسمی آن سازمان» از آن یاد کرده‌اید. عجبا! عجبا! یعنی نمی‌دانید که بولتن سازمان بهداشت جهانی تنها یک مجله متعلق به آن سازمان است (نه منبع اعلام نظرات رسمی سازمان) و از اطراف و اکناف جهان مقاله می‌پذیرد و مثل سایر مجلات داوری و چاپ می‌کند؟ و مطلب مورد اشاره شما هم تنها یک مقاله است که تازه فقط از «ضرورت بررسی بیشتر» سخن به میان آورده است؟ نویسنده‌اش هم هیچ موقعیت رسمی در سازمان جهانی بهداشت ندارد بلکه رییس انجمن فرانسوی هومیوپاتی است. حتماً نمی‌دانستید و گرنه چنین نمی‌گفتید.

یک نکته تاریخی هم عرض کنم و زیاده مصدع نشوم:

بنیانگذار هومیوپاتی، نامش ساموئل هانمن، روزی متوجه شد که دارویی که در آن زمان برای درمان مالاریا به کار می‌رفت، خود در افراد سالم علایمی شبیه به مالاریا (تب و ...) ایجاد می‌کند. این تجربه، قوه خیال جناب هانمن را به فرضیه‌ای رسانید که مهم‌ترین فرضیه هومیوپاتی محسوب می‌شود و آن «نظریه شباهت‌ها» است. نظریه شباهت‌ها می‌گوید که اگر چیزی علایم یک بیماری را در فرد سالمی ایجاد کرد، می‌تواند آن بیماری را در فرد بیمار درمان کند! هانمن سر این رشته را گرفت و رسید به آنجا که داروهایی را با رقت خیلی بالا از مواد مختلف تهیه کرد و قرار گذاشت که اینها درمان‌گر بیماری‌هایی خاص باشند. هانمن یک بدبیار هم آورد. درست در همان زمانی که او زندگی و کار می‌کرد، دانشمند دیگری، نامش آوگادرو، تحقیقات ارزشمندی را در شیمی به انجام رسانید. نتیجه آن تحقیقات این بود که در هر مول از یک ماده، معادل $6/02$ ضرب در 10^{23} مولکول وجود دارد. این عدد را امروزه هر دانش‌آموز دبیرستانی به عنوان عدد آوگادرو می‌شناسد. بدبیار آقای هانمن یکی هم این بود که در زمان حیاتش چیزی از تحقیقات آوگادرو نشنید و بعدها که نتایج کار آوگادرو به شهرت رسید، کاشف به

عمل آمد که در محلول‌های رقیق شده آقای هانمن احتمال وجود حتی یک مولکول از ماده اولیه چیزی نزدیک به صفر است! (این هم نیازی به توضیح ندارد که برحسب تعریف، مولکول کوچک‌ترین جزء یک ماده است که خواص آن را داراست) اصحاب هومیوپاتی اما در چنین مواردی به جای عقل استدلالی از قوه تخیل شاعرانه استفاده می‌کنند. این بود که جواب آوردند که درست است که مولکول‌ها رفته‌اند اما اثرشان در «حافظه محلول» به جا مانده است. خلاصه یعنی محلول‌های ایشان حافظه‌ای دارند که حتی وقتی که خشک هم می‌شوند و به قرص تبدیل می‌شوند آلزایمر نمی‌گیرند و آن حافظه باقی است و درمان می‌کند. واقعا که آدم به یاد حریربافان هانس کریستین اندرسن و پادشاه مسکین می‌افتد. البته درست است که سهراب سپهری می‌گوید: «هر که در حافظه چوب ببیند باغی/ صورتش در وزش بیشه شور ابدی خواهد ماند» اما برادر من، قائل شدن حافظه برای درخت و آب و محلول فقط در شعر ممکن است. حافظه یک عملکرد ویژه سلول‌های عصبی است و نسبت دادن آن به جمادات چیزی جز بازی شاعرانه با الفاظ نیست. در این معنا یک سینه سخن دارم اما مجال مجله و حوصله خواننده بی‌پایان نیست. پس باشد تا اگر باز هم نویسنده محترم «هومیوپاتی شبه علم نیست» دست به قلم بردند، باقی سخن بر کاغذ آید.

مدیرمسئول محترم نشریه سپید

احتراماً مقاله «بررسی مستندات مخالفین هومیوپاتی» (در دو بخش) در پاسخ به مقاله «هومیوپاتی چیزی جز شبه علم نیست» نگارش آقای دکتر آرامش ارسال می‌گردد مستدعی است مطابق قانون مطبوعات درج گردد.

با احترام

دکتر علیرضا طلوع بهبود

عضو اتحادیه بین‌المللی پزشکان هومیوپات

عضو شورای طب سنتی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی قزوین

ناگفته‌های هومیوپاتی - بخش سوم

«بررسی مستندات مخالفین هومیوپاتی»

در پاسخ به انتقاد اینجانب از توهین آقای دکتر کیارش آرامش به طب سنتی و آلترناتیو در ستون اخلاق پزشکی (مورخ ۹۰/۳/۱۲) ایشان در نوشتاری ضمن طرح اینکه «نمی‌توان ادعا کرد که هومیوپاتی از دارونما موثرتر است» دعوت به مناظره در این خصوص نمودند (۹۰/۵/۶) اینجانب در نوشتاری تحت عنوان ناگفته‌های هومیوپاتی (در ۲ بخش به تاریخ‌های ۹۰/۶/۲۴ و ۹۰/۶/۳۱) ضمن معرفی سایتها و مقالات تحقیقی متعدد در خصوص عملکرد داروهای هومیوپاتی و نیز چگونگی عملکرد محلولهای بارقت بالا، توضیحاتی در خصوص چگونگی ثبت داروهای هومیوپاتی در کتب دارویی و نیز چگونگی تجویز این داروها توسط پزشک هومیوپات داده به اشکال اساسی برخی کارآزمایی‌های بالینی در این حیطه پرداختم و نهایتاً به برخی موارد خلاف واقع در نوشتار ایشان اشاره نمودم، پاسخ آقای دکتر آرامش تحت عنوان «هومیوپاتی چیزی جز شبه علم نیست» (۹۰/۷/۲۸) حاوی نکاتی بود که در این مقال به آن می‌پردازیم؛

جناب آقای دکتر آرامش استادیار محترم اخلاق و تاریخ پزشکی در ابتدای مقاله خود ابتدا «خلاصه‌ای از مقالات ناگفته‌های هومیوپاتی» را در ۴ بخش آورده‌اند و سپس استادانه بطلان تمامی این مطالب را به اثبات رسانده، پیروزمندانه از مناظره خارج شدند

در این میان تنها یک مشکل وجود داشت و آن اینکه «خلاصه مقالات ناگفته‌های هومیوپاتی»، نه خلاصه بلکه «تحریف آشکار» سخنان اینجانب بود و استاد محترم اخلاق «شاید به این امید که کسی به متن مقاله مراجعه نکند» دست به چنین عمل ناصوابی زده‌اند. با هم به بررسی این موارد می‌پردازیم:

۱-۱ بعنوان خلاصه مقاله اینجانب آورده‌اند «اصحاب هومیوپاتی در سایت‌ها و مجلات متعلق به هومیوپاتی بیش از صدبار گفته‌اند که هومیوپاتی خیلی موثر بوده است» چنین جمله‌ای البته در هیچ کجای مقاله وجود ندارد. اگر آقای دکتر آرامش به مطالب سایت

[http://knol.google.com/scientific Research in Homeopathy](http://knol.google.com/scientific%20Research%20in%20Homeopathy)

در این خصوص دقت می‌کردند چنین جمله ناصحیحی را طرح نمی‌نمودند چون برابر آمار تفکیکی از ۲۰۳ کارآزمایی ارائه شده تنها ۵۸ مقاله در مجلات تخصصی هومیوپاتی به چاپ رسیده (۲۸/۶٪) و ۴۱ مقاله در مجلات مرتبط با طب مکمل (۲۰/۱٪) و ۱۰۴ مقاله در مجلات تخصصی سایر رشته‌های پزشکی به چاپ رسیده است (۵۱/۳٪) از جمله در مجلات علمی معتبری چون:

Cancer, chest, Nature, Lancet, Dermatology, Rheumatology, ...

لذا اولین موردی که به اختصار آورده‌اید صحیح نیست هرچند اگر تمامی کارآزمایی‌ها در مجلات تخصصی هومیوپاتی نیز بچاپ می‌رسید اشکالی نداشت و حضرت‌عالی می‌بایست با ارائه دلیل و مدرک مستدل به آن ایراد وارد کنید و نه از باب چاپ آن در مجله‌ای خاص.

۱-۲ در ادامه در خصوص مطالعات مثبت به نفع هومیوپاتی فرموده‌اید «مطالعاتی که از همان ابتدا به نیت تأیید منظوری خاص طراحی و اجرا می‌شوند» مستدعی است بجای اشاره به «نیت طراحان یک تحقیق» به «اشکالات علمی» آن پردازند و گرنه فرمایش اینکه «انبوهی از این مقالات تنها در بردارنده ادعاهای کلی و معرفی تک موردی ادعایی تأثیرند که به علت فقدان روش شناسی مشخص، قابل نقد نیستند» خدای ناکرده ممکن است این تصور را در برخی ایجاد کند که آقای دکتر آرامش چون پاسخی قانع کننده برای بسیاری از مقالات مثبت

هومیوپاتی که اتفاقاً در مجلات تخصصی پزشکی (و نه هومیوپاتی) به چاپ رسیده‌اند، ندارند لذا با این ترفند سعی در فرار از موضوع اصلی دارند چرا که اگر داروهای هومیوپاتی دارونما باشند قاعدتاً هیچ مورد مثبت قوی نباید در این مطالعات یافت گردد اما چنانکه به این موارد اشاره خواهیم کرد تعداد این مطالعات مثبت قابل توجه است.

۱-۳ در خصوص تاثیر هومیوپاتی بر «سندرم خستگی مزمن» فرموده‌اید: «پژوهشگران با هوشمندی به سراغ بیماری‌ای رفته‌اند که بسیار ساجکتیو و اثرپذیر از تلقین است» اشتباه کرده‌اید چون اولاً طراحان این پژوهش هومیوپات نبوده‌اند و ثانیاً براساس یک متاآنالیز نشان داده شده که برخلاف تصور رایج تاثیر دارونما در این سندرم پایین تر از سایر موارد پزشکی است

[psychosomatic med.2005 (67:301-313)]

در بخش نتیجه تحقیق مقاله‌ای که به آن اشاره نموده‌اید آمده است: «بیماران گروه هومیوپاتی در ۲ معیار (FLP, MFP) از ۳ معیار مورد ارزیابی این تحقیق بهبود معنی داری نسبت به گروه دارونما نشان دادند و ضمناً بیماران گروه هومیوپاتی بهبود معنی دار بالینی داشته‌اند اما بدلیل پاسخ مثبت ضعیف و احتمال اینکه این تاثیر مثبت ممکن است مربوط به مشاوره هومیوپاتی باشد لازم است تحقیق در نمونه بالاتری انجام شود». آیا این نتیجه به معنی برابری اثر داروها با دارونما است؟

۱-۴ در خصوص کارآزمایی بالینی «درمان هومیوپاتی اوتیت میانی حاد کودکان» (مطالعه بر روی ۷۵ کودک) فرموده‌اید «تفاوت معنی داری میان داروهای هومیوپاتی و دارونما وجود ندارد» لازم است به بخش نتیجه این تحقیق مراجعه کنیم:

«شکست درمانی کمتری در گروه هومیوپاتی پس از گذشت ۵ روز، ۲ هفته و ۶ هفته وجود دارد اما این میزان از لحاظ آماری قابل توجه نیست، اما در بخش کاهش علایم بیماری طی ۲۴ ساعت و ۶۴ ساعت پس از درمان هومیوپاتی تفاوت معنی داری وجود دارد ($P < 0.05$). جهت نتایج قوی‌تر نیاز به وجود ۲۴۳ کودک در هر گروه است. این نتایج اشاره دارد که پاسخ مثبت درمان هومیوپاتی در اوتیت حاد کودکان نمی‌تواند رد شود و نیاز به مطالعه بزرگتری است»

جالب اینکه هیچ یک از دو مطالعه‌ای که برای شاهد ارائه نموده‌اید دال بر برابری اثر این داروها با دارونما نیست و در ادامه فرموده‌اید «اینکه حالا به مطالعات بیشتری هم نیاز است، بیشتر به یک تعارف می‌نماید!»

اینکه متخصص رشته پزشکی اجتماعی با ارزش کلمات بکار برده شده در بخش نتیجه گیری یک تحقیق آشنا نباشند البته مایه تاسف است چرا که در متون علمی آن هم در بخش «نتیجه گیری» مجلات پزشکی معتبر «تعارفی» وجود ندارد!

۱-۵ در این خصوص اتفاقاً تحقیق قوی تری در میان کارآزمایی های ارائه شده بود که اولاً در مجله اختصاصی هومیوپاتی نیست و ثانیاً به مقایسه طب رایج و هومیوپاتی می پردازد و ثالثاً تعداد نمونه بیشتری دارد و رابعاً یک سال پی گیری پس از درمان دارد. و البته آقای دکتر آرامش به آن اشاره ای نفرمودند:

The Homeopathic treatment of otitis media in children comparison with conventional therapy

[Int]ClinPharmacolTher 1997 jul, 35(7):296:301]

این تحقیق پروسپکتیو توسط یک پزشک هومیوپات و ۴ متخصص ENT بر روی ۱۳۱ کودک در درمان اوتیت میانی حاد انجام شد و در گروه طب رایج از داروهای «ضد تب و درد و آنتی بیوتیک» و در گروه هومیوپاتی از چند نوع داروی مختلف هومیوپاتی استفاده شد و یک سال نیز بیماران پی گیری شدند. نتایج از این قرار بود:

| | گروه هومیوپاتی | گروه طب رایج | |
|---|----------------|--------------|---|
| ۱ | ۲ روز | ۳ روز | متوسط زمان درد |
| ۲ | ۴ روز | ۱۰ روز | متوسط زمان درمان |
| ۳ | ۷۰٪ | ۵۶٪ | درصد بیمارانی که طی یکسال بعد عود نداشتند |

چنانکه مشخص است در هر ۳ مورد ارزیابی شده تاثیر داروهای هومیوپاتی از داروهای طب رایج (و نه دارونما) بالاتر بود.

ظاهراً استاد محترم اخلاق صلاح ندانسته اند به تحقیقات مثبت قوی در این عرصه نگاهی بیاندازند و البته بدون اینکه زحمت نقد و بررسی کارآزمایی های ارائه شده را به خود بدهند می فرمایند «این ۲ گونه از بهترین موارد مندرج در سیاهه شواهد ادعایی در سایت هایی بودند که شما در مقاله تان معرفی کرده اید بقیه البته از این هم ضعیف تر و

بیراه‌ترند. انصاف شما و ارباب هومیوپاتی و گردانندگان این سایت‌ها را شکر». چنین سخنانی که مشخص است چرا طرح شده‌اند البته نیازی به نقد ندارد لذا بد نیست نگاهی به یکی دیگر از کارآزمایی‌هایی بیاندازیم که مقایسه بین طب رایج و هومیوپاتی است:

Effectiveness and tolerability of a homeopathic remedy compared with conventional therapy for mild viral infections

Int J Clin Pract 2004 sep, 58(9):827-32

این تحقیق پروسپکتیو بر روی ۴۸۵ بیمار مبتلا به عفونت ویروسی ملایم با علائم و نشانه‌های «تب، سردرد، درد عضلات، سرفه و گلودرد» انجام شد و بیماران در ۲ گروه یا از داروهای طب رایج و یا داروی هومیوپاتی استفاده نمودند. اما نتایج این تحقیق:

| گروه طب رایج | گروه هومیوپاتی | |
|--------------|----------------|---|
| ۴۷/۹٪ | ۶۷/۹٪ | درصد بیماران بدون علامت پس از طی دوره درمان |
| ۵۲/۲٪ | ۷۸/۱٪ | درصد درمان «موفقیت آمیز» از نظر پزشکان |
| ۳۸/۸٪ | ۸۸/۹٪ | درصد درمان «خیلی خوب» از نظر بیماران |

این مطالعه نیز در مجله هومیوپاتی بچاپ نرسیده، تعداد نمونه کافی دارد و مقایسه داروهای هومیوپاتی با طب رایج است (و نه دارونما) چنانکه مشخص است اینجا نیز در هر سه معیار برتری قابل ملاحظه‌ای در آمار وجود دارد.

در هر دو تحقیق ارائه شده برتری داروهای هومیوپاتی بر داروهای طب رایج مشهود است لذا منتظر پاسخ آقای دکتر آرامش در توجیه علت برتری دارونما (به زعم ایشان) بر داروهای طب رایج هستم!

۶-۱ در یکی از سایتهای معرفی شده در «ناگفته‌های هومیوپاتی - بخش اول» اتفاقاً تمامی مطالعات مثبت و منفی هومیوپاتی جمع‌آوری شده است تا خواننده خود به قضاوت در این خصوص بنشیند اما تمام سخن آن بود که علی‌رغم عدم حذف برخی مطالعات منفی (بدلیل اشکال بنیادی در شیوه تحقیق - که به دلایل آن پرداختم-) در حال حاضر نیز آمار مطالعات مثبت به نفع هومیوپاتی پنج و نیم برابر مطالعات منفی در این خصوص است.

۲- بعنوان خلاصه مقاله آورده‌اید «آقای دکتر لوک مونتانیه هم گفته که هومیوپاتی اصلاً شبه علم نیست» و سپس با کمال قدرت به نقد آن پرداخته‌اید: «اینکه فلان ویرولوژیست معتبر هومیوپاتی را تایید کرده است که نشد دلیل! ما که بحث نقلی نمی‌کنیم» استاد محترم اخلاق متاسفانه باز هم متن را بصورت تحریف شده ارائه نمودند و به نقد آن پرداختند!

اما متن اصلی مقاله ناگفته‌های هومیوپاتی (۱): «در این مطالعات در مباحث پایه هومیوپاتی - چگونگی عملکرد داروهای بارقت بالا به تعداد کافی مدرک مستند ارائه شده است که یکی از مهم‌ترین آنها متعلق به دکتر لوک مونتانیه است»

در واقع علت اصلی درج نظر ایشان نه «نقل حدیث» بلکه اشاره به مواضع محقق است که با ارائه «یک تحقیق علمی»:

Electromagnetic signals are produced by aqueous nanostructures derived from Bacterial DNA sequences

Interdisipscicomput life sci 2009 1:81-90

اثر بخشی محلولهای بارقت بالای عدد آووکادرو را به اثبات رسانده است هر چند در این خصوص از سال ۱۹۸۸ تاکنون ۱۷ تحقیق مستقل در مجلات علمی معتبری چون Nature, Neuroreport, physica, inflamm Res, scientific Res, ...

بچاپ رسیده اما چرا به مقاله ایشان اشاره شد؟

ظاهراً آقای دکتر آرامش از یاد برده‌اند که قبلاً در خصوص هومیوپاتی فرموده بودند «با تشبه به علم مخاطب را فریب می‌دهد و ... در مجامع رسمی علمی و مجله‌های تخصصی خود را عرضه نمی‌کند» استناد به مقاله ایشان از آن رو بود که ۱- ایشان هومیوپات نیستند ۲- اعتبار علمی بالایی دارند: ویرولوژیست پرسابقه فرانسوی کاشف ویروس ایدز و دارنده جایزه نوبل پزشکی سال ۲۰۰۸-۳ تحقیق ایشان تاثیر محلولهای بارقت بالا را تایید می‌کند و در مجله‌ای معتبر به چاپ رسیده ۴- نامبرده هیچ نفعی از طرح این تحقیق علمی نبرده بلکه برعکس گروهی متعصب بر ضد طب مکمل با جاروجنجال رسانه‌ای ایشان را به حرکت در مسیر شبه علم متهم نمودند.

۱-۳- بعنوان خلاصه مقاله از قول من آورده‌اید «علت اینکه مجله لنست به این نتیجه رسیده که هومیوپاتی اثری بیش از دارونما ندارد آن است که لنست دید کل‌نگر نداشته است» این جمله دروغ محض و تحریفی آشکار و البته تاسف‌آور از استاد محترم اخلاق است و چنین جمله‌ای در هیچ کجای مقاله ناگفته‌های هومیوپاتی (بخش دوم) وجود ندارد!

اینجانب در این مقاله خلاصه‌ای از اشکالات متعدد علمی و آماری که به مقاله دکتر شانگک وارد آمده را شرح دادم که اتفاقاً در مجلات غیر هومیوپاتی نیز چاپ شده‌اند:

The conclusions on the effectiveness of Homeopathy highly depend on the set of analyzed trials

J o r o f C l i n E p i d e m i o l o g y D e s
2 0 0 8 : 1 1 9 7 - 1 2 0 4

بنظر می‌رسد آقای دکتر آرامش از وجود چنین نقدهایی کاملاً بی‌اطلاع بودند و گرنه آن را طرح نمی‌نمودند.

بچاپ رسیده است: Lancet: مضافاً اینکه تعدادی از مطالعات مثبت هومیوپاتی در مجله

Is evidence for Homeopathy reproducible?

"Lancet" Des 1994: 1601-6

در یک متاآنالیز مشخص شده که تاثیر داروهای هومیوپاتی در آسم آلرژیک از دارونما بالاتر بود
(p=0.0004)

Is Homeopathy a placebo response?

"Lancet" oct 1986:881-6

یک کارآزمایی بالینی دوسویه کور در درمان تب یونجه توسط هومیوپاتی بروی ۱۴۴ بیمار که نشاندهندهٔ تاثیر قابل توجه داروهای هومیوپاتی در مقایسه با دارونما بود.

۲-۳- در ادامهٔ این تحریف آورده‌اید «اینکه متاآنالیزها کل نگر نبوده‌اند و باید کل وجود فرد را در نظر می‌گرفتند و اینکه داروهای هومیوپاتی بی‌شمارند و اگر یک دارو اثر نکرده لابد در جای خود بکار نرفته ... در نزد اهل علم و کسانی که می‌دانند متاآنالیز چیست و چگونه انجام می‌شود بهانه‌هایی نابه جا و تاسف‌آور است ... البته اعلام اینکه فقط خودمان می‌توانیم این کار را به انجام برسانیم نیز یکی از اصلی‌ترین نشانه‌های شبه علم است. البته شاید بتوان ذهن ناآگاهان را با این روش‌ها گل‌آلود کرد»

متأسفانه باز هم تحریف و باز هم دروغ، هیچ یک از موارد مذکور در مقاله وجود ندارد. لازم است از علاقمندان به این مبحث دعوت کنم مقالات ناگفته‌های هومیوپاتی (۲۰۱) را مجدداً مطالعه فرمایند ایشان پس از این مقاله در ستون اخلاق پزشکی مورخ ۹۰/۸/۵ با عنوان «روان‌پزشکی یا رمالی» آورده‌اند «مگر تو از اخلاق پزشکی دم نمی‌زنی؟ آیا کاری غیراخلاقی تر از فریبکاری پیدا می‌شود؟»

باید از استاد محترم اخلاق پرسید آیا «تحریف و دروغ» از مصادیق «فریبکاری» محسوب می‌شود؟! [در بخش دوم این مقاله به بررسی سایر مدعیات آقای دکتر آرامش می‌پردازم و نهایتاً خلاصه‌ای از مدارکی که اثربخشی داروهای هومیوپاتی را به اثبات می‌رساند ارائه خواهم کرد]

مدیر مسئول محترم نشریه سپید

احتراماً مقاله «ده سؤال از مخالفین هومیوپاتی» (بخش دوم بررسی مستندات مخالفین هومیوپاتی) در پاسخ به مقاله‌های «هومیوپاتی چیزی جز شبه علم نیست» و «وقتی که عقل نقاد نباشد» نگارش آقای دکتر آرامش ارسال می‌گردد. مستدعی است مطابق قانون مطبوعات درج گردد.

با احترام دکتر علیرضا طلوع بهبود

عضو اتحادیه بین‌المللی پزشکان هومیوپات

عضو شورای طب سنتی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی قزوین

ناگفته‌های هومیوپاتی - بخش چهارم

«ده سؤال از مخالفین هومیوپاتی»

در بخش اول این مقاله به بررسی صحت و سقم بخشی از نوشتار آقای دکتر کیارش آرامش - متخصص پزشکی اجتماعی و استادیار محترم اخلاق و تاریخ پزشکی پرداختم، در ادامه به نقد سایر مطالب ایشان پرداخته نهایتاً ده سؤال از مخالفین هومیوپاتی طرح می‌گردد که پاسخ به آنها متضمن رد و یا قبول تأثیر داروهای هومیوپاتی خواهد بود:

۱-۴- تاکنون در دو مقاله اشاره نموده‌اید که «سازمان بهداشت جهانی به حق نگران نظام‌مند کردن این آشفته‌بازار گنجشک‌رنگ کنی است» و «در مورد استفاده از هومیوپاتی در درمان بیماری‌های خطیر هشدار داده و ابراز نگرانی کرده است» لطفاً سند رسمی که مبین ادعاهای شماست را ارائه فرمایید. متأسفانه تاکنون در بسیاری از موارد آقای دکتر آرامش سخنان بدون سندی را عنوان نموده‌اند.

۲-۴- سعی نموده‌اید ارزش بولتن سازمان بهداشت جهانی را تنها در حد یک مجله تقلیل دهید که الزاماً بازگو کننده نظرات این سازمان نیست غافل از این که از سه مدرک ارائه شده در مقاله ناگفته‌های هومیوپاتی (۲)، دو مورد آن

"Who traditional medicine strategy" (سال ۲۰۰۵ در ۷۶ صفحه) و

"Safety issues in the preparation of Homeopathic medicines"

(سال ۲۰۱۰ در ۶۳ صفحه)

دقیقاً سند رسمی سازمان بهداشت جهانی است و انکار ارزش آن‌ها از سوی حضرتعالی شاید ناشی از آن باشد که آن‌ها را مطالعه نفرموده‌اید و گرنه قطعاً چنین نمی‌گفتید.

۳-۴- در مقاله خود رواج هومیوپاتی را با رواج استفاده از «مواد مخدر و جن‌گیری و کف‌بینی» مقایسه کرده‌اید و در مقاله‌ی دیگری («وقتی که عقل نقاد نباشد» مورخ ۹۰/۷/۱۴) آن را در کنار «نوشیدن ادرار دیگران» به تمسخر گرفته‌اید. پاسخ من به ایشان در مواردی چنین توهین‌آمیز جز «سکوت» نیست چرا که به کار بردن چنین ادبیاتی در مورد طب رسمی و قانونی ۹۰ کشور جهان از جمله ایران و غالب کشورهای اروپایی و توسعه یافته میزان پایبندی استاد محترم اخلاق به مبانی اخلاق را بیش از پیش نمایان می‌کند.

۱-۵- درباره‌ی «داروهای با رقت بالای عدد آووگادرو»، استاد محترم اخلاق به جای توجه به حداقل ۱۷ تحقیق علمی که در این خصوص انجام یافته و ارائه گردید و به جای اشاره به مستندات خود در رد این تحقیقات ترجیح داده‌اند به تمسخر پردازند و با یادآوری داستان «حریربافان هانس کریستین اندرسن و پادشاه مسکین» فرموده‌اند «اصحاب هومیوپاتی در چنین مواردی به جای عقل استدلالی از قوه تخیل شاعرانه استفاده می‌کنند»

ظاهراً آقای دکتر آرامش از یاد برده‌اند که اتفاقاً خود در موارد متعددی به جای استفاده از «قوه استدلال» از «قوه تخیل» استفاده نموده‌اند، از جمله هنگامی که در ادامه مباحثه در خصوص طب مکمل به «داستان پردازی» رو آورده و در نامه‌ای «خیالی» از سوی ابن سینا به موعظه دیگران می‌پردازند و همگان را دعوت به استفاده از طب رایج زمانه می‌نمایند! («نامه‌ای از بهشت مورخ ۹۰/۵/۱۲»)

ظاهراً «داستان پردازی» ایشان ارزشی همچون یک تحقیق علمی دارد اما ارائه تحقیقات انجام یافته قوه‌ی تخیل شاعرانه محسوب می‌شود!

مبحث پایانی

آقای دکتر آرامش در ابتدای مقاله خود فرموده‌اند «به باور من اگر مقاله ایشان با دقت و عالمانه و نقادانه خوانده شود نه تنها در رد مدعیات این حقیر نیست بلکه بنددر بند در تایید آن است»

احتمالاً ایشان جهت تلطیف فضای بحث «مزاح» فرموده‌اند لذا بهتر است اکنون به موضوعات جدی‌تری بپردازیم:

ادعای دکتر آرامش آن است که «درمان‌های ادعایی هومیوپاتی تأثیری بیش از دارونما ندارد»

اکنون به ۱۰ نکته‌ای که خلاف مدعای ایشان را ثابت می‌کند می‌پردازم. تمامی این موارد همراه با اسناد و مدارک متعددی است که فعلاً به اختصار به یک نمونه از آنها اشاره خواهم کرد:

۱- متاآنالیزهای متعددی تأثیر داروهای هومیوپاتی را نشان می‌دهد از جمله

"Treatment of vertigo with a homeopathic complex Remedy compared with usual treatments a meta-analysis of clinical trials"

Arzneimittel-Forschung 2005, vol 55, 25-29.

این متآنالیز به بررسی ۴ تحقیق درباره داروی هومیوپاتی vertigoheel در مقایسه با داروهای طب رایج (بتاهیستین، جینکوبیلوبا و دیمین هیدرینات) در درمان سرگیجه در ۱۳۸۸ بیمار می‌پردازد. در نهایت داروی هومیوپاتی در هیچ یک از معیارهای درمانی کم قدرت‌تر از داروهای طب رایج نبود و تحمل و تاثیر خوب این داروی هومیوپاتی در درمان سرگیجه تایید شد.

این متآنالیز مقایسه داروی هومیوپاتی با داروهای طب رایج (و نه دارونما) بود.

۴۱

سؤال ۱) آیا «دارونما» می‌تواند در مقایسه با داروهای طب رایج تاثیر خود را نه در یک مطالعه بلکه در یک «متآنالیز» به اثبات برساند؟

۲- تاثیر داروهای هومیوپاتی در درمان بیماریهای مهم‌تر نیز ثابت شده است:

"Ruta 6 Selectively induces cell death in brain cancer cells but proliferation in Normal peripheral Blood lymphocytes: A Novel treatment for human brain cancer"

International Journal of Oncology, 2003, 23: 975-982.

این تحقیق که در مجله تخصصی اونکولوژی بچاپ رسیده از تاثیر خوب داروی هومیوپاتی «Ruta» به همراه «فسفات کلسیم» در درمان اختصاصی سلولهای سرطان مغز خبر می‌دهد و پیشنهاد می‌کند که در درمان این سرطانها بخصوص نوع «گلیوما» از این دارو استفاده شود.

سؤال ۲- آیا دارونما می‌تواند در درمان بیماریهای مهمی چون سرطان مغزی مفید واقع شود؟

۳- آزمایشهای *in - v i t r o* نیز تاثیر داروهای هومیوپاتی را نشان می‌دهد:

"Effect of the Homeopathic preparation Engystol on interferon- gamma production by T-Lymphocytes"

Immunol invest, 2006, 35, 1, 19-27

در این تحقیق که در مجله تخصصی ایمونولوژی بچاپ رسیده میزان تولید اینترفرون-گاما توسط سلولهای لنفوسیت (T) توسط داروی هومیوپاتی به میزان حداقل ۲۰/۹٪ و حداکثر ۲۴٪ در مقایسه با گروه کنترل افزایش یافت.

۴۲

سؤال ۳- آیا دارونما می تواند سبب تغییر مشهود در آزمایشهای in-vitro (نظیر افزایش میزان تولید اینترفرون) گردد؟

۴- تاثیر داروهای هومیوپاتی در درمان بیماریهای حاد کودکان و شیرخواران نشان داده شده که قاعدتاً در این موارد نمی توان تاثیر روانی دارونما را در درمان طرح کرد:

"Treatment of Acute Childhood Diarrhea with Homeopathic Medicine"

Pediatricsvol 93, 1994, 719-725

در این کار آزمایی که در مجله تخصصی اطفال بچاپ رسیده تاثیر داروهای هومیوپاتی در کودکان ۶ ماهه الی ۵ ساله مبتلا به اسهال حاد در یک آزمون دوسویه کور مشخص گردید ($p < 0.5$)

سؤال ۴- آیا «دارونما» می تواند سبب درمان بیماری حاد کودکان شیرخوار گردد؟

۵- تاثیر داروهای هومیوپاتی در حیوانات نیز به کرات مشخص شده:

"A study of the effect of Decimal and centesimal dilutions of Arsenic on the Retention and Mobilisation of Arsenic in the Rat"

Human Toxical 1987, 6, 315-350.

در این تحقیق که در مجله تخصصی سم شناسی بچاپ رسیده تاثیر موفق داروهای هومیوپاتی در توان‌های متفاوت (10x الی 30x و 5c الی 15c) در موش صحرایی در افزایش دفع (Arsenious Anhydride) در مقایسه با گروه کنترل نشان داده شده.

سؤال ۵- آیا «دارونما» می‌تواند سبب تغییرات محسوس آزمایشگاهی در حیوانات گردد؟

۴۳

۶- در آزمون‌های متعددی اثر داروهای هومیوپاتی در گیاهان به اثبات رسیده:

"Growth Stimulation of dwarf peas through Homeopathic potencies of plant growth substances"

ForschKomplementarmedklassNaturheilkd, 2004, 5, 281-92

در این کارآزمایی تاثیر داروهای هومیوپاتی در افزایش رشد «نخودفرنگی» در مقایسه با گروه کنترل مشخص شده است.

سؤال ۶- آیا «دارونما» می‌تواند موجب افزایش رشد گیاهان شود؟ آیا شائبه تاثیر روانی داروهای هومیوپاتی در کودکان شیرخوار و حیوانات و گیاهان قابل طرح است؟

۷- تاثیر مواد با رقت‌های خیلی بالا (بالاتر از عدد آوگادرو) در تحقیقات متعددی که طی ۳۰ سال اخیر توسط پژوهشگران رشته‌های مختلف انجام یافته به اثبات رسیده (البته آقای دکتر آرامش در این مورد ترجیح دادند بجای ارائه دلایل و مستندات علمی خود به تمسخر پرداخته دیگران را به «بازی شاعرانه با الفاظ» متهم نمایند!):

"Neuroprotection from glutamate toxicity with ultra-low dose glutamate"

Neuroreport, 2001, 12(2): 335-9

در این تحقیق تاثیر گلو تامات خیلی رقیق (U L D)

در پیشگیری از آسیب نورو نهی مغز و نخاع موش های صحرایی که در معرض مسمومیت با گلو تامات قرار گرفته اند به اثبات می رسد این تحقیقات از آنرو ارزشمند که ۱- در مجلات علمی معتبر مستقل بچاپ رسیده اند ۲- تاثیر مواد مختلف (و نه الزاماً داروهای هومیوپاتی) با رقتهای بالای عدد آوو گادرو در آنها نشان داده شده ۳- توسط محققین رشته های تخصصی متفاوتی انجام یافته

۴۴

سؤال ۷- چه توجیه و پاسخ علمی در برابر تعداد زیاد این کار آزمایی ها که تاثیر مواد در رقتهای خیلی بالا را به اثبات می رساند وجود دارد؟

۸- غالباً داروهای هومیوپاتی در صورت تجویز صحیح به بیمار ابتدا سبب «تشدید» علامت وی شده سپس منجر به درمان آن علامت می شوند، پروسه ای که در هومیوپاتی بنام Aggravation معروف است و اتفاقاً در کار آزمایی های متفاوتی به آن اشاره شده و وقوع آن مورد تایید قرار گرفته است:

"Is Homeopathy a placebo Response?"

Lancet, 1986, 881-86

سؤال ۸- آیا «دارونما» می تواند ابتدا سبب «تشدید» علامت بیمار و سپس درمان آن شود؟

۹- تغییرات مشهود میکروسکوپی در بافتها پس از درمان توسط داروهای هومیوپاتی دیده می شود:

"Microcirculatory effects of a Homeopathic preparation in patients with mild vertigo: an intravital microscopic study"

در این کارآزمایی که در مجله تخصصی «تحقیقات میکروواسکولار» بچاپ رسیده پس از تجویز یک داروی هومیوپاتی در بیماران با شکایت سرگیجه نه تنها بیماران از لحاظ بالینی درمان شدند بلکه در بررسی میکروسکوپی عروقی آنها تغییرات ذیل مشاهده شد: «۱- افزایش میزان حرکت اریتروسیت‌ها در ونولها و آرتریول‌ها ۲- افزایش Vasomotion ۳- کاهش خفیف هماتوکریت ۴- افزایش نسبی فشار اکسیژن». هیچ یک از این تغییرات در گروه کنترل مشاهده نگردید. در بخش نتیجه‌گیری این مطالعه می‌خوانیم: «این اطلاعات حاکی از تاثیر فارماکولوژیک داروی هومیوپاتی در میکروسیرکولاسیون طی درمان است»

سؤال ۹- آیا «دارونما» می‌تواند ضمن درمان بیماری موجب تغییرات بافتی میکروسکوپی شود؟

۱۰- نظیر طب گیاهی بسیاری از داروهای هومیوپاتی نیز بصورت عصاره خالص ماده گیاهی (و نه رقیق شده) تجویز می‌گردند از جمله داروهایی چون ... Valerian, Hypericum, که اثربخشی آنها در تحقیقات متعدد «Herbal Medicine» به اثبات رسیده

سؤال ۱۰- فرمایش آقای دکتر آرامش مبنی بر اینکه «درمان‌های ادعایی هومیوپاتی تاثیری بیش از دارونما ندارد» گفته‌ای اندیشمندانه نخواهد بود چرا که بخشی از داروهای هومیوپاتی بصورت عصاره خالص مواد گیاهی تجویز می‌شوند و نسبت دادن «دارونما» به عصاره خالص مواد گیاهی چندان معقول بنظر نمی‌رسد. آیا آقای دکتر آرامش قصد تغییر دادن جمله ادعایی خود را دارند؟

جناب آقای دکتر آرامش در پایان مقاله خود فرمودند «در این معنا یک سینه سخن دارم ... پس باشد تا اگر باز هم نویسنده محترم «هومیوپاتی شبه علم نیست» دست به قلم بردند باقی سخن بر کاغذ آید» اینجانب از ادامه یافتن این مناظره قطعاً استقبال می‌کنم چرا که سبب اطلاع رسانی بیشتر همکاران و خوانندگان علاقمند خواهد شد به شرط

آنکه پاسخ‌ها کاملاً مستدل و مزین به ارائه سند و تحقیقات علمی باشد و نه ادعاهای بدون مدرک و مجادله کلامی.

به درخواست آقای دکتر آرامش منبع تمامی تحقیقات ارائه شده در این دو مقاله اخیرم از مجلات غیرهومیوپاتی بود امیدوارم ایشان نیز در پاسخ خود به هر یک از ۱۰ سوال طرح شده، از مطالب مستند استفاده نمایند تا بر غنای این مناظره بیفزایند.

منبع: نشریه سپید

[تنظیم و انتشار مجدد: سایت انجمن هومیوپاتی ایران](#)

<http://Homeopathyiran.org>

Contact By Admin (Saeid Jabbar): Phos1m@yahoo.Com

تنظیم برای انتشار دیجیتالی از سایت انجمن هومیوپاتی ایران میباشد.